

با وجود کودتای ۳ اسفند ۱۴۹۹، حلقه‌ای دیگر از سلسله حلقه‌های خاورمیانه جدید که توسط استعمار پیرانگلستان برای تسلط بر جهان اسلام طراحی شده بود تکمیل گردید. روی کار آمدن رژیم‌های سکولار در منطقه اسلامی خاورمیانه مقدمه‌ای بود برای سلطه استعمار در این منطقه حساس و تاسیس رژیم اشغالگر قدس. رژیم ضادislamic پهلوی ضمن فراهم کردن زمینه مهاجرت یهودیان به فلسطین به نزاعی همه جانبه با فرهنگ یمنی ملت مسلمان ایران برخاست و کوشید تمامی سنگرهای مقاومت علیه بیگانگان را تابد نماید.

رژیم پهلوی گمان می کرد با تاسیس قشون متحدالشکل می تواند بر مخالفت های مردمی فاتق آید؛ لذا رترشی را که می بایست از مردم و سرزمین ایران دفاع کند به جنگ مردم فرستاد. با بروز جنگ جهانی دوم، رضاخان که حساسیم که کرد شاید طرف پیروز جنگ، اهلان نازی است، تلاش کرد ضمن حفظ ارتباط با انگلیسی ها، گفتگوهایی، نیز با بیرون احتمالی، جنگ داشته باشد. از سوی دیگر انگلیسی ها که مسیر ایران، راه همین مسیر برای

امداد رسانی به شوروی می‌دانستند برنامه‌ریزی وسیعی برای حضور در ایران تدارک دیدند. بهانه آنان برای حضور در ایران همان تحركات رضاخانی در گفتگو با آلمان هیتلری بود که در قالب اعتراض به حضور جاسوسان آلمانی در ایران متبلور شد. انگلیسی‌ها که خود به رضاخان اجازه گسترش ارتباطات با آلمان را داده بودند در فرصت مقتضی همین ارتباط راستمایه تبلیغات علیه رضاخان قرار دادند تا بتوانند به همین بهانه ایران را که بعدها «پل پیروزی» نامیده شد اشغال نمایند. به نظر می‌رسد رضاخانی که برای تأمین منافع انگلیسی‌ها به ملت فرهنگ و مذهب خود پشت کرد. نهایتاً اسپر ترفندهای استعمار پیرانگستان شد. اشغال ایران با وجود و حضور رضاخان که مدت ۲۰ سال به سرکوب ملت غیور آن پرداخته بود بسیار خطرناک می‌نمود. جامعه آماده انفجار ایران علیه رضاخان و حامیان انگلیسی آن فقط با سقوط رضاخان التیام می‌یافت به همین دلیل انگلیسی‌ها با بهانه قرار دادن حضور جاسوسان آلمانی، ایران را اشغال و رضاخان را محصور به استغفار کردند. در چنین شرایطی ورود قوای اشغالگر کمتر داشتند که محدود و مدد ایران باشند، فتش دیکتاتور، بعلمه، به طبق موقعت از کنایا حضمه، اشغالگان گذشتند.

میر ماریت می نمود و مردم ایران براز شریعت‌پروردی پنهانی. به شور موکت از در در حمور اسلامگران مذکور است.
ارتش متحدالشکل طی ۳ روز از هم فرو پاشید. شاه برای حفظ سلطنت در دودمان خود با چمدان جواهرات از کشور خارج شد. جامعه ایرانی
توانست مقاومتی جدی علیه اشغالگران از خود بروز دهد زیرا نیروی روحانیون به عنوان مدافعین جدی تمامیت ارضی ایران در طول دیکتاتوری
۲۰ ساله پهلوی به شدت تحملی رفت و ایلات و عشایر به عنوان بازار و توانمند دفاعی ایران سکوب شدند. با توجه به وابستگی رژیم پهلوی به بیگانگان
علمای هیچ فرقی بین حضور آنان و حضور اشغالگران احساس نمی‌شد. نمونه بارز چنین وضعیتی را در عراق عصر صدام مشاهده می‌کنیم که با وجود
اشغال کشور توسط قوای امریکایی، مردم سقوط صدام را جشن گرفتند و اکنون هوشمندانه در صدد اخراج آرام امریکایی‌ها از سرزمین خود هستند.
امروز ملت سریلاند ایران پس از ۲۸ سال استادگی توام با نبرد بایگانگان و اشغال گران پیروزمندانه تعیین کننده مسائل مهم خاورمیانه بزرگ
اسلامی است. اکنون و در بههای سرنوشت‌ساز از تاریخ کشور خود و منطقه اسلامی که شاهد شکل گیری خاورمیانه بزرگ اسلامی در مقابل
طرحهای استعماری خاورمیانه جدید امریکایی هستیم به بررسی ماجراهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم می‌پردازیم. مقایسه‌ای بین آن دوره
و دوران کنونی تاریخ ملت ایران نشان می‌دهد که بازگشت به اسلام و اصول قویم تشیع چگونه از ایران اسیر چنگال بیگانگان. کشوری سرافراز در
جهان ساخته است. این سرافرازی را پاس مداریم و ثمرات آن را که ایجاد امواج بیداری اسلامی در منطقه است همزمان با پیروزی شکوهمند
حزب الله لبنان بر رژیم نامشروع اسرائیل به شما ملت بزرگ تبریک می‌گوییم.
«ایام» هماره در انتظار دریافت مطالب، نظرات، پیشنهادها و انتقادات شما عزیزان است.

● در ایران، متفقین تصمیم می‌گرفتند!

طبعه / ٢

● ظرف دو ماه در ایران قحطی شد

۴ گفتگو با دکتر باقر عاقلی /

● آخرین امید دیکتاتور

نقش‌ها

● بی احترامی نظامیان امریکایی به شاه ایران!

عکاس باشی / 

● گلوله های سربی برای شکم های خالی!

۱۰ پرسه (نگاه از درون) /

دلسوچی از نوع انگلیسی!

بررسه (نگاه از بیرون) / ۱۱

● اشغال ایران، مخالف حیثیات انگلستان است!

نهانخانه / ۱۱

اژديکي ايران در جنگ جهاني

١٢ / مصري

وفات مسؤولي الممالك

یادمان / ۱۵

کور پدر چرچیل!

۱۶ تاہ آخر /





۳. اينک، زمان آن فرا رسیده بود که انگلستان موقعیت و نفوذ خود را در ايران - که طی سالهای جنگ، سیر قهقهه‌ای پیموده بود - ازدياد بخشد. انجام دادن اين مهم بخصوص برای انگلستان بسیار حیاتی بود.

۴. برای ارسال کمکهای نظامی به روسیه شوروی، راه ترانزیت کالا از بنادر خلیج فارس در جنوب تا مرازهای شمالی ایران می‌باشد کاملاً تحت کنترل متفقین درآید تا کمک رسانی به ارتش سرخ و تقویت بنیه دفاعی آن در مقابل مت加وزان آلمانی باحداکثر سرعت انجام گیرد. به استناد دلایل استراتژیک فوق مقامات دولتی و نظامی متفقین در اواسط اوت ۱۹۴۱ م (اویل شهریور ۱۳۲۰ ش) زمان راجه‌ت به انجام رسانیدن طرح تسخیر ایران مناسب دیدند و جهت انجام این کار حضور متخصصان آلمانی در ایران را بهانه قرار دادند.^۳

ایران و اعلام بی‌طرفی

با شروع جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹ م (۱۳۱۸ ش) دولت ایران با صدور اطلاعیه‌ای رسمی در ۹ شهریور همان سال تصمیم خود را مبنی بر بی‌طرفی در جنگ اعلام کرد. این در زمانی بود که متفقین به دلایل ذکر شده ایران را برای کمک به روسیه در نظر گرفته بودند. وینستول چرچیل در این مورد در خاطراتش می‌نویسد:

این کمکها عبارت بود از ارسال مهمات و خواربار و بالاتر از همه فراهم کردن وسیله‌ای که این اجتناس را با سرعت به روسیه برساند. در این میان موقعیت استراتژیک ایران بخصوص از لحاظ خطوط سرحدی طویلی که با اتحاد جماهیر شوروی داشت و به علت منابع مهم زیرزمینی و خط آهن شمال به جنوب به عنوان پل ارتباطی برگزیده شد.^۴

در اوت ۱۹۴۱ م (مرداد ۱۳۲۰ ش) ضرورت اجرای حمله به ایران بیش از پیش احساس می‌شد.

زیرا:

۱. نبرد در جبهه روسیه شوروی برخلاف انتظار نتوانسته بود نتایج چشمگیری برای آلمان‌ها به ارمغان بیاورد. جنگ بر قرآن علیه روسیه شوروی نیز به هدفهای خود نرسیده بود. ارتش سرخ هر چند تلفات و خسارات سنگینی را متحمل شده بود ولی هنوز از میدان نبرد خارج نشده بود. ارتش آلمان نیز نتوانسته بود به هدفهای نظامی خود دست یابد. روسیه شوروی بر تصمیم خود جهت دفاع از کشورش بنشست پاپشاری می‌کرد.
۲. انگلستان بعد از تقویت نیروهای نظامی خود در عراق، اکنون در موقعیتی قرار داشت که می‌توانست نقشه‌های نظامی اش را با موفقیت در ایران به اجرا درآورد.

زمینه‌های اشغال

در اول شهریور ۱۳۱۸ آلمان و شوروی، قراردادی به منظور دوستی و عدم تجاوز به یکدیگر منعقد گردند.

با تهاجم آلمان به لهستان، انگلیس و فرانسه رسماً علیه آلمان وارد جنگ شدند (۱۲ شهریور ۱۳۱۸) و آلمان طرف مدت کوتاهی اروپا را تصرف کرد اما به وسیله جهازات قوی انگلستان، نتوانست بر آن جزیره دست یابد. به همین دلیل تصمیم گرفت از راههای زمینی به قلب این جزیره کوچک ضریب بزند، پس در ۲۲ ژوئن (۱۰ تیر ۱۳۲۰) (۱۹۴۱ م) به روسیه شوروی حمله کرد و قصد داشت پس از تصرف شوروی به سمت هندوستان پیشروی کند.

حمله آلمان به شوروی، روابط دولتی آن دو کشور را به دشمنی مبدل ساخت. در این زمان انگلستان و امریکا که در واقع قطب سرمایه‌داری به حساب می‌آمدند به یاری قطب مخالف خود (کمونیسم) برخاستند. چرا که عدم وجود اطمینان به قدرت ایستادگی شوروی در مقابل حملات ارتش نازی و ضعف نیروهای انگلیسی در خاورمیانه باعث شد که همکاری سه جانبه‌ای بین دو قطب مخالف (سرمایه‌داری و کمونیسم) صورت گیرد و انگلستان و امریکا به دشمن درینه خود کمک کنند.^۱

نیلوفر کسری

جنگ جهانی دوم که در اول سپتامبر ۱۹۳۹ م (۱۳۱۸ ش) با حمله ارتش آلمان به لهستان آغاز شد، فصل جدیدی در تاریخ گیتی گشود و طرف مدت کوتاهی مانند جنگ اول به تمام عالم سرایت کرد. این جنگ، جبهه‌بندی هایی ویژه میان کشورهای جهان به وجود آورد و جهان را به آتش و خون کشاند. در آغاز جنگ، سه قدرت انگلستان، شوروی و آلمان جهت گسترش و سطح نفوذ خود در خاورمیانه و کسب مستعمرات بیشتر به تکاپو افتادند و در این میان، انگلستان به واسطه سایقه تاریخی و برای حفظ گنج ارزشمند خوش یعنی هندوستان و سایر منافع اقتصادی و راهبردی خوش در خاورمیانه بیشترین تلاش را از خود بروز داد که اشغال ایران از آن جمله بود. مقاله حاضر پرونده این واقعه و نتایج آن را وامی کاود.

باز خوانی پرونده اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و آثار و نتایج آن

در ایران، متفقین تصمیم می‌گرفتند!



به طور کلی تا پایان جنگ جهانی دوم، دولت ایران قدرت واقعی نداشت و تصمیم‌گیرنده اصلی متفقین بودند.^{۱۰}

غائله آذربایجان

پس از پایان جنگ جهانی که در ۸ می ۱۹۴۵ ارتباط بین ایران و شرط آلمان صورت گرفت، دولت ایران با امیدواری و اشتیاق فراوان، طی یادداشتی پیروزی در جنگ راهه ۳ دولت بزرگ متفق تبریک گفت و به آنها خاطر نشان ساخت که پس از ختم مفاصلات در اروپا دیگر لزویی به باقی ماندن نیروهای متفقین در ایران نیست و بهتر است هر چه زودتر خاک ایران تخلیه شود تا اوضاع به حال عادی برگردد. این یادداشت بی جواب ماند تا این که در دهم زوئن ۱۹۴۵ می ۲۰ خرداد ۱۳۲۴ ش فرماندهی نیروهای امریکایی مقیم ایران طی اعلامیه‌ای اطلاع داد که قواه مزبور بتدریج کار تخلیه ایران را انجام خواهند داد و سپس نیروهای انگلکیس و روسیه قرار گذاشتند که تهران را تخلیه کرده و نهایتاً ۱۲ اسفند ۱۳۲۴ خاک ایران را ترک کنند. این پیشنهاد مورد موافقت وزرای خارجه سوری و امریکا قرار گرفت و ۳ دولت طی اعلامیه‌ای این تصمیم خود را اطلاع دادند. هنوز ۲۴ ساعت از صدور این اعلامیه نگذشته بود که دسته‌های مسلح مرکب از عناصر ترک فقاری در شهرهای آذربایجان دست به قیام مسلحانه زده و با کمک ارتش سرخ، ادارات دولتی و پاسگاههای زاندارمی را شغال کرده و تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان را اعلام کردند. رهبری این فرقه با سید جعفر پیشه‌وری بود. او پس از مدتی، خود مختاری آن را ایجاد کرد. این اتفاق در ۲۶ مهر ۱۹۴۶ می‌گذرد.

ادریسیان را اعلام کرد. (۱۷) راتوہ ۱۹۷۷/۷/۲ بهمن
 برگزیده شد. او توانست بالاستفاده از پشتیبانی
 امریکایی ها به مذاکره با شوروی بپردازد و در نهایت
 به شورای امنیت شکایت کند.
 اما شوروی فقط به خروج نیروهای خود از
 مشهد و شاهرود و خطه شمالی بسنده کرد تا آن
 که پس از فراز و ششیب های مختلف در نهایت
 سریازان شوروی در ۹ می ۱۹۴۶ (۱۹) اردیبهشت
 (۱۳۲۵) از اذربایجان نیز خارج شدند.

جنگ جهانی دوم و اشغال ایران برای کشور ما حاصلی جز نابودی زیرساخت‌ها، بحران اقتصادی و مالی، بیماری‌های مسری، نابودی کشاورزی و زمینهای آباد، قحطی و گرسنگی و از همه مهمتر تپاپایداری سیاسی در برداشت و این بحران گرچه با خروج رسمی نیروهای شوروی از ایران پایان یافت اما تبعات آن سالیان سال کشورمان را درگیر خود کرد.

رہبران امریکا، سوروی
و انگلستان، به پیشنهاد استالین
تهران را به عنوان محل اجتماع
در نظر گرفتند و بدون اطلاع
دولت ایران!! در ۶ آذر ۱۳۲۲

وارد تهران شدند
این کنفرانس اثرات مهمی
بر جریان جنگ دوم جهانی گذارد

مهمترین این مستشاران، گروه مستشاری مالی که ریاست آن را دکتر ملیسپو عهده دار شد. او همراه ۳۵ نفر به ایران آمد (زانویه ۱۹۴۳/دی ۱۳۲۰) و به عنوان رئیس کل دارایی با اختیارات بسیع در امور مالی و اقتصادی مشغول به کار شد. نتوانست موقف شود چرا که وظیفه او در درجه سبقت تامین خواربار و احتیاجات متفقین بود.

با گذشت ۲ سال از دوران ماموریت میلسپو نویه ۱۹۴۵ / دی ۱۳۲۳) او تخلفاتی صورت داد و مجنین مطامعی استعماری در سر داشت که با خالفلت نمایندگان مجلس چهاردهم بویشه دکتر مصدق و مرحوم آیت الله شیخ حسین لنکرانی به رو و ناجل از استتفا شد و ایران را ترک کرد.^۱ در پاییز ۱۹۴۲ (۱۳۲۲) متفقین که برای تامین اکناف مورد نیاز خود، احتیاج بیشتری به پول شستند، دولت ایران را تحت فشار قرار دادند تا به شار اسکناس دست بزند. در ابتدا دولت و مجلس

این درخواست متفقین که منجر به افزایش تورم
فقر بیشتر مردم می شد، مخالفت کردند. اما
تلخیسی ها با ورود نیروهای جدید، مجلس و دولت
وادار به موافقت کردند.

برهانند.^۱ انگلیسی‌ها هم که نسبت به نقشه‌های متحده جدیدشان روسیه شوروی در مورد خاورمیانه با شک و تردید می‌نگریستند به منظور این که دست آنها را از متابع نفت جنوب و آبهای گرم خلیج فارس دور نگه دارند، پیشنهاد کردند ایران بک پیمان اتحاد با روسیه و انگلستان بینندتا شغال خاک این کشور به صورت اقامت دوستانه متفقین در دوران جنگ درآید و ضمناً دولت معهد شوند که حداکثر تا ۶ ماه پس از



«برای ما فوق العاده اهمیت داشت که از راه ایران، خط ارتباطی درجه اول و مهمی با روسیه داشته باشیم... راه آهن سراسری ایران که به تازگی ساخته شده بود می‌توانست به عنوان سریع ترین و کوتاه‌ترین راه در دسترس برای کمک‌رانی به روسیه مورد استفاده قرار گیرد.»

به همین منظور در ۴ زوئن ۱۹۴۱ م سریرد
بولارد سفیرکبیر انگلستان در ایران برای اخراج
عوامل آلمانی از ایران هشدار داد و با وجود تمامی
مساعی ایران در جهت حفظ بی طرفی، قوای روس
و انگلیس در سحرگاه سوم شهریور ماه ۱۳۲۰
مطابق با ۲۵ اوت ۱۹۴۱ م به ایران حمله کردند.
ساعت ۴ پامداد همان روز سفاری دو کشور روس و
انگلیس به دیدار علی منصور نخست وزیر وقت
رفتند و پیش روی ارتش دو کشور را در خاک ایران
اطلاع دادند.

ارتش شوروی از ۳ جهت و ۳ ستون وارد خاک ایران شد؛ ستون اول از محور جلفا در جهت تبریز حرکت کرد، ستون دوم از راه آستارا به سوی بندر انزلی و رشت به پیشوای پرداخت و ستون سوم به ناحیه مرزی شمال شرقی خراسان هجوم برد و شهرهای مهمی چون تبریز و مشهد و شهرهای ساحلی دریا خزر را تصرف کرد.

در خوزستان نیز قوای انگلیس به بنادر ابادان و خرمشهر حمله برد و سنتون دیگری از قصر شیرین به سوی کرمانشاه به حرکت درآمدند. نظامیان انگلیسی ساخت ۴۱۰ بامداد وارد اهواز شدند. اشغالگران انگلیسی سپس به سمت قزوین پیش رفتند. قوای متفقین در قزوین به یکدیگر ملحق شدند^۹ و متفقاً به سوی تهران حرکت کردند.

به دنبال پیشوای نیروهای متخاصم به سوی تهران، مردم ایران بویژه اهالی پایتخت به هراس افتادند. رضا شاه هم که سقوط ارتش پوشالی خود را می‌دید بلافضله تلگرافی به روزولت رئیس جمهور امریکا فرستاد و از او خواست تاضمن میانجیگری به کمک ایران بستابد. اما دولت امریکا جواب تلگراف را تا ۱۷ شهریور به تعویق انداخت^۵ و در آخر به شاه ایران گفته شد. مسائل به قدری پیش رفته است که کاری از دست او ساخته نیست. پیش از آن تقریباً بعد از ۳ روز جنگ، دستور ترک

کنفرانس تهران

با توجه به این که انجام مذاکراتی میان امریکا و شوروی و انگلستان، که رهبری جنگ با المان را بر عهده داشتند، ضروری به نظر می‌رسید. رهبران ۳ کشور به پیشنهاد استالین، تهران را به عنوان محل اجتماع در نظر گرفتند و بدون اطلاع دولت ایران! در ۲۵ و ۲۶ نوامبر ۱۹۴۳ وارد تهران شدند و در ۲۸ نوامبر (۶ آذر ۱۳۲۲) کنفرانس را تشکیلدادند تا آینده جنگ وضعیت جهان بعد از آن را بررسی کنند. این کنفرانس اثرات مهمی بر جریان جنگ دوم جهانی گذارد.

سران ۳ کشور در پایان کنفرانس تهران طی اعلامیه‌ای که در اول دسامبر ۱۹۴۳ (۱۰ آذر ۱۳۲۲) به امضای روزولت، چرچیل و استالین رسید - (ش) به امضای روزولت، چرچیل و استالین رسید - و به اعلامیه تهران معروف شد - علاقه‌مندی خود را جهت ادامه روابط دوستانه با ایران ایاز داشتند و از کمکهای ایران در جنگ علیه دشمن مشترک مخصوصاً در زمینه تسهیل وسایل حمل و نقل مهمات تشكیر کردند و بر استقلال، حاکمیت و

تسلیمان اینستاکنون نزد قانون اینستاکنون

عینه می‌دید که در صحنه سیاست خارجی و داخلی تنها مانده است. پس فروغی، یار دیرین انگلیس را به صارت برگزیند و از او خواست نظر مساعد دولت انگلیس را جلب کند. اما انگلیس هادر نظر خود مبنی بر اخراج اتباع آلمانی و تسلیم آنها به متفقین پای می‌فشدند و رضا شاه نمی‌توانست یا نمی‌خواست به اولتیماتوم آنها جواب مساعد بدهد. در ۲۰ شهریور نیروهای شوروی و انگلیس از قزوین و قم به سوی تهران حرکت کردند. رضا شاه ناچار در همان روز به نفع محمد رضا و لیعهد از سلطنت استغفا داد و همراه خانواده‌اش عازم پندرعباس شد. انگلیس‌ها او را ابتدا به جزیره موریس در جنوب اقیانوس هند بردند و سپس در فروردین ۱۳۲۱ به ژوهانسبورگ منتقل ساختند که وی همان جا در ۴ مرداد ۱۳۲۳ درگذشت. صبح روزی که رضا شاه تهران را ترک کرد پسرش محمد رضا پهلوی در مجلس شورای ملی، مراسم تحلیف به جای آورد و بر سلطنت ایران تکیه زد.

او ضاع داخلي، ابران

در سالهای جنگ، وضع اقتصادی ایران به صورت اسفناکی درآمد. تورم، تشکیل بازار سیاه، کمبود خواربار و قحطی، که نتیجه مستقیم حضور



گفت و گو با دکتر باقر عاقلی پیرامون اشغال ایران

ظرف دو ماه در ایران قحطی شد!

شده به طرف قایقی که در آن نزدیکی لنج انداخته بود. شناخت. قایق بایندر به سرعت به سوی بارانداز کوچکی که بالای دوانو سیم ر و کرکس قرار داشت. حرکت کرد. دو گلوله به سمت قایق شلیک شد. گلوله دوم قایق را ز آب بلند کرده به کناری پرتاپ نمود. قایق به گل نشست و بایندر وارد ساحل شد. مقاومت نیروی دریایی خرمشهر کمتر از بندر شاهپور بود. همه چیز به یکباره از هم گیخت. چند افسر از جمله منفوی تسلیم و بازداشت شدند و کلیه نواحی دچار حرق شده از کار افتادند.

در دفاع خرمشهر تلفات سنگینی بر ایرانیان وارد آمد. در این راه ۴۰۰ تن فنگ و ۳۰ خودرو و ۴ مسلسل. به دست دشمن افتاد.

در حالی که در تمام منطقه جنوب، زد و خورد ادامه

داشت. بایندر در ایستگاه بی سیم رفته و وضعیت را به

تهران گزارش داد. هنگام بازگشت از ایستگاه هدف

گلوله قارگرفته و شهید شد.

جنگ و گزینی روی دریایی ایران با قوای مهاجم تا

ظاهر بیشتر طول نکشید. فرماندهان نیروی دریایی با

مقتول شدن و یابه اسارت رفتند و به این ترتیب نیروی

دریایی جوان ایران در اثر بخط و خطای فرمانده کل قوا

و مشاورین نظامی و سیاسی او ظرف ۱۰ ساعت از هم

متلاشی شد. در برخورد جنگی نیروی دریایی با قوای

جهز اندکی و هندي متباور از ۵۰ سرباز ایرانی

شهید شد که نام آنها در هیچ کتابی ثبت نشده است.

تبعات حمله متفقین به ایران چه بود؟

با وجودی که نامه ترک مخاصمه صبح زود روز

ششم شهریور به ۲ سفارتخانه فرستاده شده بود و آن ۲

سفارتخانه هم مراتب را در همان لحظات به مسکو و

لندن اعلام کرده بودند هیچ گونه تغییریدر نمیاران

شهرها و برخورد مسلحانه با نظامیان به وجود نیامد.

البته روسها با همان خشونت، شهرها را بمباران و

نظامیانی را که تسلیم می شدند به اسارت می گرفتند و

به خارج از کشور می فرستادند.

روزهای ششم، هفتم و هشتم شهریور بمباران های

شمالی ایران توسط هوایی های بمبا فکن بسیار شدید

و سبعاه بود در اثر شلیک توپخانه دشمن از خواب بیدار

شوری که نیروی زمینی را تقویت می کرد پنج برابر و اسپریونوف سفیر شوروی تذکاریه مشترک به دولت پیش بینی هر دو کشور درباره قوای نظامی ایران غیر از آن بود که در عمل مشاهده کردند و شاید روسها با یک پنجم قوای تدارک دیده می توانستند به مواضع خود دسترسی پیدا کنند.

خرابه آن کشور اخضار و تاکید کردند که اتباع آلمانی

مقیم ایران هر چه زودتر باید اخراج شوند. دولت ایران به

تدکاریه دولتین پاسخ داده و مذکور شد رفتار اتباع

آن هزینه شده بود. به سرعت از هم فروپاشید؟

هجوم متفقین به مرزهای ایران ساعت ۴ بامداد روز سوم شهریور آغاز شد. ارتش ۱۲۰ هزار نفری ایران به میلیاردها ریال هزینه از مالیات بیوهزن. دهقان زحمتکش، کارگر مظلوم و کارمند مغلوب تامین شده گرفت. ولی دولت انگلستان دستور داد

ژنرال و پول فرمادنی نظامی هندوستان دستور داد

برای حمله به ایران نیروهای نظامی خود را به عراق

منتقل کند و این گزینه ظرف یک هفته برنامه کاری خود را

انجام داده و لشکر نهم هندی را برای تجاوز به ایران به

بصره گسیل کرد.

دو کشور روسیه شوروی و انگلستان برای حمله به

ایران چه مقدار استعداد نظامی و تسليحاتی فراهم

آورده بودند؟

با توجه به قوای انگلیس و مقایسه آن با نیروی

شوری ملاحظه می شود دیدگاه این دو کشور برای

حمله به ایران کاملاً متفاوت بود. روسها بر آن بودند که

برای درهم شکستن فوری و قطعی هرگونه مقاومتی

یک نیروی گسترده سنگین به کار گیرند. ارتش سرخ

مجاهز نبود. آنچه ارتش ایران فراهم کرده بود همه را در

دولت لشکر مرکز داده بود. دولت لشکر قوی و بزرگ که

می توانست چند روز اشغال تهران را تاختیر بیندازد.

غالب لشکرها فاقد تحرک بودند و اساساً اسم

یی مسمایی به نام لشکر بر آنها اطلاق شده بود ولی غالباً

از یک تیپ هم نفرات آنها کمتر بود.

جریان شکست و نابودی سریع و زودهنگام نیروی

دریایی رضاشاه در مقابل با تهاجم نیروهای انگلیسی

در جنوب ایران شکر را مختصر اشتریح بفرمایید.

سرنیپ غلامی بایندر. فرمانده نیروی دریایی

جنوب که ضمناً فرماندهی تیپ مرزی ایران را نیز

عهددهار بود در اثر شلیک توپخانه دشمن از خواب بیدار

روز بیست و هشت تیرماه بولارد وزیر مختار انگلیس و اسپریونوف سفیر شوروی تذکاریه مشترک به دولت ایران تسلیم نمودند و از حضور اتباع آلمانی در ایران ندانست. تگرگی کردند. همزمان با تسلیم این تذکاریه سفیر ایران

در سکو و وزیر مختار ایران در لندن به وزارت امور

خاراجه آن کشور احضار و تاکید کردند که اتباع آلمانی

ذکاریه دولتین پاسخ داده و مذکور شد رفتار اتباع

بیگانه در ایران تحت مراقبت کامل است و هیچ گونه

اقدامی از طرف آنها علیه همسایگان مانجام نخواهد

گرفت. ولی دولت انگلستان در قبال این گفتگوها به

زترول و پول فرمادنی نظامی هندوستان دستور داد

برای حمله به ایران نیروهای نظامی خود را به عراق

منتقل کند و این گزینه ظرف یک هفته برنامه کاری خود را

انجام داده و لشکر نهم هندی را برای تجاوز به ایران به

بصره گسیل کرد.

دو گزینه شوری و همین راه را پیشنهاد کرد و اضافه کرد

این راه را مسدود کرد. کوتاه ترین و امن ترین راه از

طریق ایران بود که خط آهن نهضد کیلومتری آن

خلیج فارس را به دریای خزر می پیوست. دولتهاي

انگلیس و شوروی قلا در این زمینه گفتگو کرده بودند.

هر یعنی، نماینده دولت امریکا که برای مذاکره به مسکو

سفر کرده بود همین راه را پیشنهاد کرد و اضافه کرد

برای دیگر راه بغار سفر و داردان بول ولی دولت ترکیه

این راه را مسدود کرد. کوتاه ترین و امن ترین راه از

طریق ایران بود که خط آهن نهضد کیلومتری آن

خلیج فارس را به دریای خزر می پیوست. دولتهاي

انگلیس و شوروی قلا در این زمینه گفتگو کرده بودند.

سفر کرده بود همین راه را پیشنهاد کرد و اضافه کرد

بود که باید برای تکمیل و توسعه این خط طرحهای نیز

ارائه شود و از همین جاست که اندیشه حمله نظامی به

ایران به یک تصمیم قطعی بین کشورهای انگلستان و

شوری درآمد.

متقین برای فراهم آوردن مقدمات حمله به ایران

به چه دستاویزهایی متول شندند؟

برای پیاده کردن این فکر، مقدماتی لازم بود. از این

رو از اوایل تیرماه ۱۳۲۰ بهانه جویی های آغاز شد. روز

نهم تیرماه خبرگزاری های آزاد فرانسه خبری منتشر

ساختند مبنی بر این که دولت شوروی به ایران با

سوهون نگریسته و این کشور را مركزی برای حمله به

شوری می داند. در همین روز سفیر تازه شوروی به نام

آندره اسپریونوف با تعليمات جدیدی وارد تهران شد و با

نخست وزیر و کفیل وزارت امور خارجه ملاقات و از اقدام

«اشغال ایران در جنگ جهانی دوم» اختصاص دارد به سراغ او رفتیم تا مشاهدات و مطالعات وی را

در اختیار علاقمندان قرار دهیم

لطفاً درباره دلایل و عواملی که موجبات اشغال

ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم را فراهم آوردهند دیدگاه های خود را بیان بفرمایید.

فکر اشغال ایران از آغاز جنگ بین المللی دوم در مغز

دو آتش افزور جنگ به وجود آمد ولی در آن هنگام ضرورت چندانی برای اجرای این فکر وجود نداشت.

حمله ناگهانی و برق آسای قوای آلمان هیتلری به روسیه برای دولت انگلستان از یک طرف و دولت اتحاد

جمهوری شوروی از طرف دیگر این فکر را تقویت کرد. به خصوص که دولت انگلستان و دولت امریکا پس از

ملاقات و مذاکره روزولت و چرچیل در اقیانوس اطلس و امضای منشور آتلانتیک و انعقاد یک پیمان مصمم

شدند که مکم در اسرع وقت انجام گیرد.

برای رساندن مکم به شوروی چند طریق وجود داشت:

یکی از راه ایجاد ترکیه بود. کوتاه ترین و امن ترین راه از

طریق ایران بود که خط آهن نهضد کیلومتری آن

خلیج فارس را به دریای خزر می پیوست. دولتهاي

انگلیس و شوروی قلا در این زمینه گفتگو کرده بودند.

هر یعنی، نماینده دولت امریکا که برای مذاکره به مسکو

سفر کرده بود همین راه را پیشنهاد کرد و اضافه کرد

برای دیگر راه بغار سفر و داردان بول ولی دولت ترکیه

این راه را مسدود کرد. کوتاه ترین و امن ترین راه از

طریق ایران بود که خط آهن نهضد کیلومتری آن

خلیج فارس را به دریای خزر می پیوست. دولتهاي

انگلیس و شوروی قلا در این زمینه گفتگو کرده بودند.

در ملاقاتی که در همان روزها بین علی منصور،

نخست وزیر و سرپرست بولارد، وزیر مختار انگلستان

صورت گرفت. بولارد اشغال نظامی ایران را تذکیب کرد

و بی طرفی ایران را محترم شمرد.

احوال

عاقلی در یک نگاه



دکتر باقر عاقلی فرزند حجت الاسلام شیخ محمد فقیه در سال ۱۳۰۸ شمسی در شهر قزوین متولد شد. تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه خود را زادگاهش گذرانید و برای ادامه تحصیل و اخذ گواهی ششم متوسطه وارد مدرسه دارالفنون تهران شد و سال ۱۳۲۷ دیپلم گرفت.

سال ۱۳۳۱ از دانشکده حقوق دانشگاه تهران در رشته علوم سیاسی و قضایی فارغ التحصیل شد. سال ۱۳۳۲ برای ادامه تحصیل وارد مدرسه علوم اداری شده و در سال ۱۳۳۴ با درجه فوق لیسانس از تحصیل فراغت یافت.

سال ۱۳۳۸ در دانشکده حقوق دانشگاه تهران از رساله دکتری خود دفاع کرد. دکتر عاقلی از سال ۱۳۲۸ وارد عرصه مطبوعات و روزنامه‌نگاری شد و در بسیاری از مجلات، نشریات و روزنامه‌های آن روزگار مقاله و مطلب می‌نوشت.

او همکاری خود با نشریات و روزنامه‌های مختلف را تا سالها بعد ادامه داد و هنوز هم هر از چند گاه مقالاتی از ایشان در روزنامه‌ها و نشریات کشور چاپ و منتشر می‌شود. شمار مقاالت و یادداشت‌های وی در نشریات و روزنامه‌ها به بیش از ۲۰۰۰ مورد می‌رسد.

تالیفات

از عاقلی تاکنون متجاوز از ۲۵ عنوان کتاب در عرصه تاریخ معاصر ایران، چاپ و منتشر شده است. عنوانی برخی از مهمترین آنها عبارت است از:

نخست وزیران ایران، روزشمار تاریخ ایران در ۲ مجلد. شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران در ۳ مجلد. رضاشاه، رضا و فرشنون متحداشکل. داور و عدلیه، میرزا احمدخان قوام‌السلطنه، فروغی و شهریور ۱۳۲۰، زندگینامه تیمورناتاش، زندگینامه نصرت‌الدوله فیروز، زندگی و خاطرات محمد سعاد مراغه‌ای، زندگی و خاطرات دکتر احمد متین دفتری و ...

دولت انگلستان برای اخراج و استعفای رضاشاه در ایران شروع به زمینه‌سازی کرد و رادیوهای لندن و دهلی و فرانسه و چند کشور دیگر در بخش اخبار فارسی حملات شدیدی به رضاشاه می‌کردند. بولارد در یکی از گزارش‌های خود به وزارت امور خارجه انگلیس می‌نویسد: «وجه گستردۀ به پخش برنامه به زبان فارسی رادیو بی‌بی‌سی نقش برجسته و شاید تعیین‌کننده‌ای در استعفای [رضا] شاه ایفا کرد.

پیرامون نقش محمدعلی فروغی در خلع رضاشاه از سلطنت صحبت کردید. شما این نقش را تا چه اندازه مهم می‌دانید؟

در مورد خلع رضاشاه باید عرض کنم مسبب آن فروغی (ذکا‌الملک) بود. من با بعضی از افراد این خانواده نزدیک بودم، مخصوصاً با مهندس فروغی و سه تن از نوه‌های دختری فروغی از فرزندان اسدی مرحوم آشنازی داشتم. آنها می‌گفتند انگلیسی‌ها تصمیم داشتند رضاشاه پس از استفاده از ایران بماند ولی فروغی معتقد بود او اگر در تهران باشد در تمام کارها مداخله می‌کند و نمی‌گذارد حکومت کار خود را بکند.

برای بدن رضاشاه به خارج از روز نهم شهریور تبلیغاتی در رادیوهای لندن و دهلی شروع شد تا سرانجام او را با خفت و خواری به خارج بردند. مخفی نماند که قوای ایران هرگز نمی‌توانست در مقابل روسیه، امریکا و انگلیس استقامت کند. در روزهای اول و دوم حمله انگلیس، نیروی دریایی به کل از بین رفت و در تبریز و رضابیه بمباران‌های متولی روس‌ها عده زیادی از سربازان را نابود کرد. تنها لشکری که توانت مقاومت کند و جلوی حمله انگلیسی‌ها را بگیرد لشکر کارمانشاه بود. فرماندهی این لشکر به عهده سرلشکر مقدم قرار داشت او جمعاً ۴۸ ساعت با انگلیس جنگید.

تبعات سوء ناشی از اشغال کشور توسط متفقین برای مردم ایران چه بود؟ وقتی قوای روس، انگلیس و امریکا وارد کار ایران شدند در تهران و سایر شهرهای ایران برای خود محل استقرار گرفتند و خیلی از ادارات و سربازخانه‌ها و بیمارستان‌ها در اختیار آنان قرار گرفت و قوت لایمود آنها از شهرهای ایران تهیه شد. دو ماه بیشتر طول نکشید که ایران دچار کمیواد مواد غذایی شد. گرانی سرسرم آور گریبان ممه را گرفت. در نتیجه نان و مواد غذایی را با کوین در اختیار مردم قرار می‌دادند. سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ عده زیادی از مردم در اثر فقر مردند و همه روزه در خیابان‌های شهرهای از بیماری «وب» جان می‌دادند. تا پایان جنگ این وضع در ایران استقرار داشت.

میان رجال سیاسی و نظامی انگلستان هم مخالفینی داشت که آنها نیز در این تغییر مداخله داشتند. اجمله می‌توان فیلد مارشال ادموند آیرون‌ساید، رئیس ستاد مشترک انگلستان را نام برد. آیرون‌ساید بعد از جنگ بین‌الملل اول فرمانده قوای انگلستان در عراق و ایران بود

شمایی کشور، محل سکونت خود را راهنموده و به دهات اطراف پناه می‌بردند. شوروی‌ها به هر شهری که وارد می‌شوند مانند یک دولت فاتح، اداره شهر را به دست گرفته، روسای ادارات و نمایندگان دولت اعم از نظامی و شخصی را بازداشت می‌کردند.

در باره تصمیم شوروی عالی جنگ مبنی بر مرخص کردن سربازان که به نوعی اعلام آتش‌بس و تسلیم در برابر متفقین بود، چه توضیحی وجود دارد؟

روز هشتم شهریور شوروی عالی جنگ در باشگاه افسران تشکیل جلسه داد. این شورا عبارت بودند از: سرلشکر ضرغامی رئیس ستاد ارتش، سرلشکر پوذرچم‌های فرمانده لشکر اول تهران، سرلشکر نقدی فرمانده لشکر دوم تهران، سرلشکر نخجوان وزیر جنگ، سرلشکر یزدان‌پناه فرمانده دانشکده افسری، سرتیپ علی ریاضی، سرتیپ خسروانی فرمانده نیروی هوایی، سرتیپ رزم‌آرا، سپهبد امیراحمدی فرمانده حکومت نظامی تهران و چند افسر دیگر.

شورای مذکور در آن جلسه تصمیم گرفت تمامی سربازان را تخریص و به جای آن سربازانی با ۳۵ تومان حقوق استخدام کند. تمام سربازان وظیفه مرخص شند و با پای پیاده به سوی شهرهای خود رفتند. رضاشاه از این تصمیم عصبانی شد و افسران شرکت‌کننده را برابی بعداز ظهر روز نهم شهریور به سعدآباد دعوت کرد و به عده‌ای از افسران که طرفدار آزادی سربازان شده بودند حمله کرد و با شمشیر، سرلشکر نخجوان و سرتیپ ریاضی را بشدت مضروب ساخت.

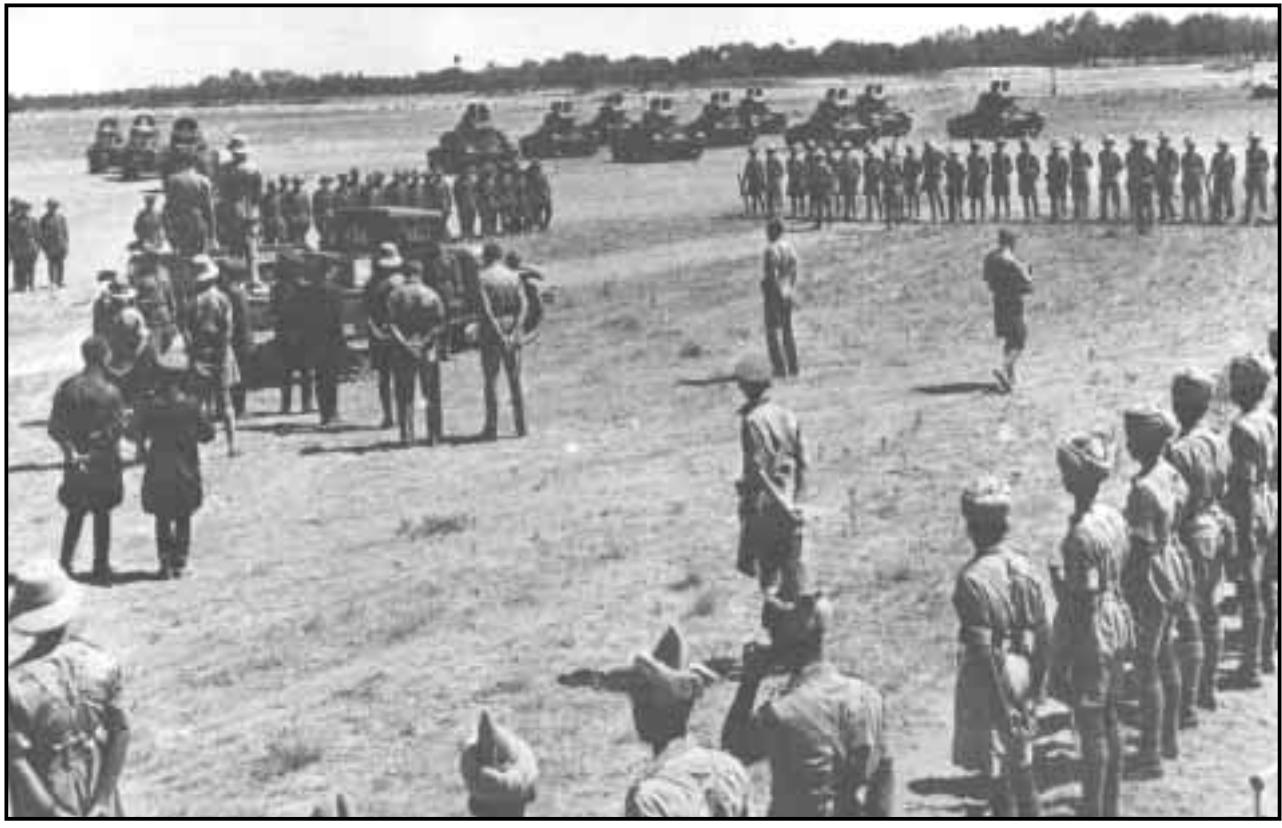
چرا در طول دوران جنگ جهانی دوم، ایران «پل پیروزی» لقب گرفت؟

وقتی جنگ آلمان و روسیه شروع شد و در اوایل جنگ، پیشرفت آلمان در خاک روسیه زیاد بود. انگلیس و امریکا تصمیم گرفتند به روسیه کمک کنند. تنها راهی که وجود داشت و می‌توانست اسلحه به روسها برسانند ایران بود و ازین نظر ایران را به اشغال درآوردند و بارسال کمک به شوروی باعث شکست آلمان ها شدند. لذا ایران را «پل پیروزی» لقب دادند.

در باره نقش قاطع و تعیین‌کننده دو کشور شوروی و

انگلستان در برگنایی رضاشاه از سلطنت و تبعید وی توضیح بفرمایید.

سرانجام دیپلماسی دولتین روس و انگلیس برگنایی و تبعید رضاشاه به توافق رسیدند. در این توافق، دولت انگلستان سهم بیشتری داشت. ریدر بولا، وزیر مختار وقت انگلیس در تهران یکی از بازیگران این صحنه بود و زمینه را چه در داخل ایران و چه در وزارت امور خارجه دولت متبوع خود فراهم ساخت. پادشاه ایران در



دست پنهان

سکینه کریمی

آلن چارلز تrott (Alan Charles Trott) در ۲۶ مارس ۱۸۹۵ متولد شد. می از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۷۴ به ترتیب تاریخی ذیل در سفارت و کنسولگری های مختلف انگلیس در ایران خدمت کرد.

کفیل نیابت کنسولگری تهران از ۱۱ آوریل ۱۹۲۳ کنسول در تهران از ۲۷ سپتامبر ۱۹۲۳، انتقال به رشت در ۲۲ فوریه ۱۹۲۴. کفیل نیابت کنسولگری اصفهان از ۲۷ می تا ۲۳ اکتبر ۱۹۲۵. مسوول نیابت کنسولگری

تهران از ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵. کفیل دبیر شرقی سفارت تهران از ۲ می تا نوامبر ۱۹۲۶. کفیل سرکنسولگری اصفهان از ۱۴ نوامبر ۱۹۲۶ تا ۶ آوریل ۱۹۲۷. انتقال به کازابلانکا در ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۷. دستیار دبیر شرقی

سفارت تهران با رتبه محلی دبیر سومی از ۲ می ۱۹۲۹ کفیل سرکنسولگری اصفهان در ۱۹۳۰. کفیل کنسولگری شیراز در ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱. کفیل دبیر شرقی

سفارت تهران از ۸ نوامبر ۱۹۳۱. ارتقا به دبیر دومی با رتبه محلی در ۱۵ فوریه ۱۹۳۲. دبیر اداره کنسول

شرقی در تهران از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷. دبیر اول از اول سپتامبر ۱۹۳۴. انتقال به جده در اول زیبه ۱۹۳۷ خدمت در سفارت جده از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۳. دبیر اول

شرقي سفارت با رتبه محلی از ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۷ سرکنسول اهواز از دوازدهم می ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۵ تحت کنترل داشت و زمینه را برای توجیه و رود قوای منتفقین آماده

می ساخت سرتیپ دریادار، غلامعلی بایندر، فرمانده نیروی دریایی نیز در همان روزهای آغازین حمله منتفقین،

ترات زبان فارسی را چون انگلیسی خوب می دانست و برای سالها اقتامت در پایخت ایران. بنابر وظیفه های که

داشت با اغلب رجال کشور و تمام سرسپرده گان سیاست انگلیس محسور و مانوس بود و اینان را به اقتضای سیاست انگلیس، زیر نفوذ خود به هر طرف که می خواست می کشانید.^۱

پس از خاتمه جنگ، رسپها از خروج ایران خودداری ورزیدند و با حمایت از اطراعات انگلیس (MI-6) در ایران بود که با پوشش کاردار سفارت بریتانیا در تهران عمل می کرد. وی نه تنها یک زبان شناس بسیار عالی بود بلکه در زمینه های موسیقی، ریاضی و بالاتر از همه، تاریخ طبیعی خبره بود.

ترات به عرف و عادات ایرانی آشنایی کامل داشت و بر ادبیات فارسی مسلط بود و ضرب المثل ها و ایيات نغز فارسی را کاملاً بموضع و بجا استفاده می کرد. او به خوراک های ایرانی علاقه نشان می داد و در محافل و



(اول) در سال ۱۲۹۸ ق/ ۱۲۵۷ ش در تهران به دنیا آمد.^۱

تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش فرا گرفت. سپس وارد دارالفنون شد و به تحصیل طب پرداخت، ولی پس از چند سال تغییر رشته داد و با پژوهش در ادبیات و حکمت به مطالعات عمیقی در این رشته

پرداخت. او به زبانهای فرانسه و انگلیسی مسلط بود و کار خود را با معلمی در مدرسه های علمیه و دارالفنون آغاز کرد و در اداره روزنامه تربیت که به همت پدرش در سال اول حکومت مظفر الدین شاه دایر شده بود نقش اساسی داشت و ترجمه های او، از پاورقی های پرخوانده آن روزنامه محسوب می شد.

پس از تاسیس مدرسه علوم سیاسی چندی به کار ترجمه در آن مدرسه پرداخت تا به معلمی تاریخ و اقتصاد برگزیده شد. هنگامی که پدرش به مدیریت مدرسه علوم سیاسی رسید، وی به معاونت او انتخاب شد. در سال ۱۳۲۵ ق و پس از فوت پدر به ذکارالملک ملقب شد و مدیریت مدرسه سیاسی را به عهده گرفت.^۲

در دوره اول مجلس، ریاست دبیرخانه و امور اداری با او بود و در دوره دوم قانونگذاری به نمایندگی مجلس انتخاب شد و پس از مستشارالدوله صادق، ریاست مجلس را به او سپرند.

در کارنامه سیاسی ذکارالملک می توان به این مناصب اشاره کرد: سه بار رئیس دیوانعالی کشور، سه بار نخست وزیر، سه بار وزیر جنگ، سه بار وزیر مالیه، سه بار وزیر خارجه و یک بار هم وزیر عدلیه.

وی در زمینه حکمت و فلسفه و ادبیات کتابهای گوناگونی دارد و نخستین فرهنگستان ایران را او بنانهاد. فروغی اولین نخست وزیر رضا شاه بود و مهمترین گامها را برای تحکیم پایه های سلطنت او

آخرین امید دیکتاتور



موسی اسدی

محمد علی فروغی ذکارالملک، فرزند محمد حسین ذکارالملک

خبرگزاری «روپتر» با اعلام خبر ورود او به تمجید از او پرداخت و او را به عنوان کاندیدای نخست وزیری از سوی «محافل دموکرات ایران» معرفی کرد.

با این عملیات، ترات در واقع همان نقشی را بازی کرد که در سال ۱۲۹۹ ش. ژستراں آیرون ساید انگلیسی ایفا نمود. با این تفاوت که این بار عملیات ناکام ماند و سیدضیاء نتوانست به صدارت برسد.^۳

دومین اقدام مهم ترات، عملیات اغتشاش در جنوب ایران است. همزمان با شعله کشیدن غله آراییجان (سال ۱۳۲۴) به عنوان سرکنسول انگلیس در خوزستان و فارس بسیه جنوب رفت. ترات به وسیله شیوخ واپسیه به تشكیل «اتحادیه عرب خوزستان» دست زد. نمایندگان این جمعیت در ملاقات با نایب السلطنه و نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق خواستار جدایی از ایران و پیوستن به عراق شدند.

از دیگر اقدامات وی می توان به روابط گسترده او با سیاستمداران ایرانی و جذب آنها به سرویس جاسوسی انگلیس (MI6) اشاره نمود در نتیجه این اقدامات، احزاب «افق آسیا»، «آریا» و «سوسکا» توسط حسن ارفع در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ و «حزب اراده ملی» توسط سیدضیاء بود تاسیس شد که نتیجه مطلوب و دلخواه را برای انگلیسی ها به بار نیاورد.^۴ ترات نهایتاً در سال ۱۳۵۹ درگذشت.

پانوشتها:

۱. یاست لوت لوبی، راینبو، دیپلمات ها و کنسول های ایران و انگلیس و نخست وزیران و وزرای خارجه ایران و انگلیس و سفرا و فرستادگان ایران در سایر کشورهای جهان از آغاز تا سال ۱۹۴۵ میلادی، ترجمه غلامحسین میرزا صالح (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳). ص ۵۰.
۲. بولارد، رید و بیلام، خاطرات سر رید بولارد سفیر کبیر انگلستان در ایران (نامه های خصوصی و گزارش های محروم ام)، [متوجه غلامحسین میرزا صالح (تهران: طرح نو، ۱۳۷۸) ص ۶۴]
۳. یحیی، ناصر، دوتهای ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا آذر ۱۳۵۸؛ از سیدضیاء، تا بازگان (بی جا، مولف، ۱۳۷۰) ص ۸۱۱-۸۱۲
۴. خامه ای، انور، سالهای پر آشوب: پژوهشی در تاریخ معاصر ایران بر بنیاد اسناد از طبقه بندي خارج شده اندکستان، امریکا، ایران (تهران: نشر و پژوهش فرمان روز، ۱۳۷۸) ص ۱۵۰-۱۴۸
۵. فردوسی، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱ (تهران: ۱۳۶۹) ص ۱۰۴-۱۰۰
۶. حسین فردوسی، چ. ۲، ص ۵۳-۵۰-۴۸-۴۰-۴۴

مجالس شرکت می کرد و با طبقات مختلف مردم تماس می گرفت و در صحبت های خود همیشه به کمکهایی که انگلستان پس از جنگ به ایران خواهد کرد، اشاره می کرد.^۵

در جریان استعفای رضاخان و انتصاب محمد رضا به سلطنت (۲۵ شهریور ۱۳۲۰) نقش بسیاری داشت و از آنجا که انگلیسی ها هنوز تردید داشتند که شاید محمد رضا پس از سلطنت و آن گاه که احساس قدرت کند خود را در اختیار هیتلر قرار دهد از طریق ترات به وی خاطر نشان کردند که این ما بودیم که تو را شاه کردیم و طبعاً انتظارات داریم و این انتظارات باید اجرا شود. به این ترتیب با هماهنگی ترات، قرار شد که محمد رضا به مجلس برود و به عنوان پادشاه ایران سوگند بخورد.^۶

چارلز ترات، علاوه بر تدارک سلطنت محمد رضا پهلوی، در برخی از مهمترین حوادث سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ نقش اصلی داشت: نخستین اقدام مهم او، عملیات بازگرداندن سیدضیاء الدین طباطبایی از فلسطین به ایران بود. سیدضیاء در سال ۱۳۲۲ به تهران آمد و بلا فاصله

برداشت. از جمله ترتیب تاجگذاری و جلوس وی بر اریکه قدرت را داد و قدرت را در کف اقتدار او تمرکز بخشید.^۷

از واقعیت مهم دوران نخست وزیری فروغی می توان به واقعه مسجد گوهرشاد و جنگ جهانی دوم و اشغال ایران اشاره کرد.^۸

در جریان اشغال ایران (سوم شهریور ۱۳۲۰) که علی منصور از نخست وزیری استعفا داد، رضا شاه که برای حفظ سلطنت خود یا بقای سلطنت در خاندان پهلوی مستوصل شده بود، عاجزانه به سراغ فروغی رفت چرا که واپسیگ فروغی به سیاست انگلستان و تاثیر کلام او بر سیاستمداران انگلیسی، زبانزد بود. او از فروغی خواهش کرد تا صدارت را بر عهده گیرد و فروغی نیز پذیرفت.

فردای آن روز دو سفیر انگلیس و روس در منزل فروغی گرد آمدند تا در مورد شرایط قبول ترک مخاصمه از طرف ایران گفتگو کنند.

سرانجام پس از مذاکراتی، مقدمات پیمان سه جانبه میان ایران، انگلیس و شوروی فراهم آمد و ۱۸ شهریور نتیجه مذاکرات به مجلس اعلام شد. البته مذاکرات محرمانه بین فروغی و انگلیس بر سر جایگزین کردن محمد رضا پهلوی به جای پدرش و تبعید رضاخان دیکتاتور به جزیره موریس در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به ثمر نشست.^۹

سرانجام فروغی این عامل انگلیس قبل از اعزام به امریکا در پست سفارت در آذر ۱۳۲۱ از دنیا رفت.

پانوشتها:

- ۱- احمد عبدالله پور، نخست وزیر ایران، ص ۱۵۰-۲- باقر عاقلی، نخست وزیر ایران از مشیرالدوله تا بختیار، ص ۴۹۸-۳- همان ۴- ناصر نجمی، بازیگران سیاسی عصر رضاخانی، ص ۲۸۰-۵- باقر عاقلی، پیشین، ص ۴۴۲-۶- همان، ص ۴۹۰-۴۹۱

پرونده

نیمه پنهان

مظفر شاهدی



آرتو رچسلر میلسپو در اول مارس ۱۸۸۳ در جومه شهر آگوستا در ایالت میشیگان امریکا به دنیا آمد. در سال ۱۹۰۲ تحصیلات متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رسانید. او سال ۱۹۰۸ از کالج الیون لیسانس و سال ۱۹۱۰ از دانشگاه ایلی نویز فوق لیسانس گرفت و در نهایت سال ۱۹۱۲ در دانشگاه جان هاپکینز بافاع از رساله دکتری خود در رشته اقتصاد فارغ التحصیل شد و از همان سال به عنوان استاد علوم سیاسی در کالج ویتمن و سپس دانشگاه جان هاپکینز به تدریس پرداخت.

میلسپو از سال ۱۹۱۸ به استخدام وزارت امور خارجه امریکا درآمد و از سال ۱۹۲۲ تا سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ به عنوان مستشار مالی در استخدام دولت ایران بود و در حالی که طی حدود ۶ سال برای بهبود نظام مالی ایران تلاش‌هایی راه انجام رساند، به خاطر اختلافاتی که باراشاه پیدا کرد، ناگزیر به خدمت او در ایران پایان داده شد.

میلسپو پس از خروج از ایران و در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ از سوی وزارت خارجه امریکا با سمت مشاور کل امور مالی روانه هائیتی شد و از سال ۱۳۰۹/۱۹۳۰ تا سال ۱۳۱۱/۱۹۴۲ با پوکلین به کار پرداخت و در سال ۱۳۲۱/۱۹۴۲ عنوان رئیس کل دارایی ایران به استخدام دولت شاهنشاهی درآمد و تا سال ۱۳۲۲/۱۹۴۴ به مدت تقریباً ۲ سال در ایران ماند. میلسپو که ورود ثابوی اش به ایران مقامن با اشغال کشور توسط متفقین و از جمله حضور نیروهای امریکایی بود، لذا بزویدی با دولت، درگیر شد و بیویه با وزارت دارایی و نیز ریاست وقت بانک ملی ایران اختلافات و مشکلات حل ناشدنی پیدا کرد. ملمریت دوم میلسپو که حدود ۶۰ تن از کارشناسان مالی امریکایی نیز او را همراهی می کردند، با مخالفت شدید نمایندگان مستقل و ملی در مجلس چهاردهم بیویه دکتر محمد مصدق و آیت الله شیخ حسین لنکرانی با شکست روهی و شد و به ناچار ایران را ترک کرد. وی دریاره دو ملمریت شد در ایران و کتاب خاطرات جدائله نوشته است. میلسپو پس از ترک ایران بر دیگر به دانشگاه بروکلین پارگزشت و در سال ۱۳۲۸/۱۹۴۹ به شهر کالامازو در ایالت میشیگان رفت و نهایتاً پس از حدود ۷۲ سال زندگی در روز شنبه ۲۴ سپتامبر ۱۳۳۴/۱۹۵۵ به علت سکته قلبی درگذشت.

منابع: برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون ملمریت‌های میلسپو بزرگی به آرتو رچسلر میلسپو ملمریت امریکایی‌ها در ایران، ترجمه حسین ابوتایبان، ص ۲۲۳-۲۶ و صفحات ۳۰-۳۴ و آرتو رچسلر میلسپو، امریکایی‌ها در ایران

بازگشت و از همان زمان به مطالعه و پژوهش در عرصه‌های مختلف و مشارکت در حل امور مسلمین پرداخت. وی جامع فضایل بود، علم اجتهاد را با تقوای مطلق، وسعت اندیشه را بانور معرفت و هوش و ذکاوت سرشار را با حافظه قوی توأم داشت. به زبانهای فرانسه، انگلیسی، ترکی و عربی آشنایی کامل داشت و دارای ذوق بسیار لطیف و طریف ادبی بود. سرعت انتقال، انسجام فکر و احاطه عجیبی به مطالب علمی و تاریخی داشت. بسیار عالم، فروتن، متقدی، بردبار و گریزان از ناظران از عده بود. در عمق جامعه با شخصیت‌های بزرگ حوزه دانشمندان ایران و جهان اسلام مانند آیت الله شیری زنجانی، آخوند ملاعی موصومی در همدان و مجله رسالت‌الاسلام در قاهره مکاتبه داشت. آیت الله مجتهدی در کارهای عالم‌المنفعه، مشارکت موثر داشت و عضویت افتخاری اغلب مجامع خیریه را عهده‌دار بود. مدتها رنج برد تا برای طلاب علوم دینی کتابخانه‌ای تأسیس کرد و در غنی ساختن کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز سهم بسزایی داشت.

از جمله تالیفات ایشان تعلیقاتی است که به بعضی از کتب مهمه اصول و

فقه مخصوصاً در الفوائد استاد خویش آیت الله حائری نگاشته است. وی با

تخلص «اعطارد» در نشریه دانشکده ادبیات تبریز نیز مقالات متعدد در

زمینه‌های گوناگون منتشر کرده است.

پس از پایان جنگ جهانی دوم در ایران در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ روسها با حمایت از فرقه دموکرات آذربایجان و با حرکت‌های تجزیه‌طلبانه سعی در جداسازی آذربایجان از ایران داشتند. آیت الله مجتهدی با آگاهی از تحولات سیاسی این دوره پراشبوب در تبریز و به واسطه آشنازی و رفت و آمد با دست‌اندرکاران فرقه دموکرات آذربایجان از عملکرد ناصواب این فرقه، انتقاد و با آن مخالفت می‌کردند و همسو با دیگر روحاویان آذربایجان به استقلال و تمامیت ارضی ایران پایبند بود و به هیچ صورت راضی به جدا شدن آذربایجان و حتی همراهی با این فرقه وابسته نبود. ایشان همچنین اقدام به نگارش خاطرات یک‌ساله خویش مربوط به یکی از حساس‌ترین ادوار تاریخی آذربایجان یعنی سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۵ کرد و به شرح اوضاع و احوال و فضای حاکم بر شهر تبریز در آن سالها پرداخت.

آیت الله مجتهدی از سال ۱۳۳۷ به بعد مکرراً به قم رفت و آمد داشت و با علماء و مراجع آن دیار در ارتباط بود. در قیام پانزده خرداد ۱۳۴۴ همراه با روحانیون شهرهای مختلف ایران، حضوری فعلی و همه‌جانبه داشت و با صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها در مبارزه علیه رژیم پهلوی سهیم بود.^۱

این محقق و ادبی فرزانه سراج‌الممالک در شب هیجدهم جمادی‌الثانی ۱۳۹۶ مطابق با ۲۷ خرداد ۱۳۵۵ شمسی در مشهد به رحمت ایزدی پیوست و در

یکی از رواههای حرم مقدس حضرت رضاع^۲ به حاک سپرد شد.

منابع:

۱. عقیقی بخشایشی، عبدالرحمیم، مفاخر آذربایجان، ج. ۱۰. تبریز: آذربایجان، ۱۳۷۴-۱۳۷۵. صص ۲۰-۳۶۵
۲. مجتهدی، عبدالله، بحران پانزده خرداد ۱۳۴۴-۱۳۲۵، خاطرات مرحوم آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی، به کوشش کاشانی جعفریان، تهران: مسسوسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱. ص ۳۰-۱۴
۳. مطابق با ۲۷ خرداد ۱۳۵۵ شمسی در مشهد به رحمت ایزدی پیوست و در قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج. ۳. تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸. ص ۴۱۰.

دریبداری (سرتیپی) نائل آمد.

وی با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی کاملاً آشنازی دارد.

بایندر علاوه بر تدوین چند اثر در زمینه قولین و مقررات توپخانه و همچنین مقالات متعدد راجع پیرامون فنون نظامی به سفارش مجله ارتش، در سال ۱۳۱۹ کتاب خلیج فارس را که حلوی اطلاعات جامعی در تاریخ و جغرافیای طبیعی و انسانی منطقه است، تالیف کرد.^۱

سراج‌الممالک در سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ زمانی که بایندر متوجه تهاجم قوای انگلیسی به ایران می‌شود خود را به محظوظ نیروی دریایی می‌رساند و آخرین گزارش‌های واقعی رابه تهران و اهواز مخابره می‌کند و پس از سرکشی پستهای مرزی و صدور دستورات لازم و یادآوری وظایف فرماندهان در مسیر مقاومت عازم محل فرماندهی ستد می‌شود که مورد حمله مهاجمین قرار گرفته و به این ترتیب در سوم شهریور ۱۳۲۰ جان خویش را فدا می‌کند.^۲

منابع:

۱. مرسیوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ۳۰/۲
۲. خلیلی، رضا تاریخ شهدای ایران از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا پایان سقوط هوایپمای ارفع، ج ۱ (جزوه ۷)، تهران: بنگاه زریخ، ۱۳۲۲. مص ۱۰۲
۳. زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ۲۱/۲. مص ۴۰۰
۴. عاقلی، باقر، شرح حال رجال و سیاستی و نظری معاصر ایران، ۱۳۷۷/۱. مص ۵۰۰
۵. خلیلی، رضا همان، مص ۱۰۶ و ۱۰۷
۶. خلیلی، رضا همان، ج ۱ (جزوه ۸)، مص ۱۲۲ و ۱۲۴

ضد اجنبی



ویدا معزی نیا

آیت الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی فرزند ارشد آیت الله حاج میرزا مصطفی در هشتم ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ در شهر نجف اشرف پا به عرصه وجود نهاد. وی تحت تربیت پدر فرزانه‌اش پروفسور یافت و از خرمن اخلاق، علم و فضل ایشان خوش‌های فراوان چید. خاندان مجتهدی خاندان عالم‌خیز و مشهور تبریز در دوره قاجار و اویل پهلوی است که عالمان و مجتهدان سیاری در آن پرورده شده‌اند. اجداد میرزا عبدالله تا پنج نسل در زمرة علمای بنام روزگار خود بوده‌اند.

مشارالیه پس از طی دروس مقدماتی و مبادی علوم صرف و نحو، منطق، کلام، فقه و اصول در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۳۴۱ ق به منظور تکمیل تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شد و متجاوز از ۶ سال از محض پر فض آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، حاج شیخ محمد رضا صوفی و آیت الله یثربی کاشانی بهره‌های بسیار بد. ایشان در این سالها، همدرس و هم بحث سیاری از چهره‌های برگزیده حوزه از جمله امام خمینی(ره) بوده است.

او در سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۳۵۰ ق به درجه اجتهاد نایل شد و به تبریز

قربانی



طاهره شکوهی

غلامعلی بایندر فرزند علی‌اکبر، اولین فرمانده نیروی دریایی ایران در سال ۱۲۷۷ ش در تهران به دنیا آمد و پس از طی دوره مهندسی مدرسه دارالفنون و مدرسه نظام مشیر الدواله با درجه ستون دومی وارد ارتش شد. او با وجود ممنوعیت فعالیت سیاسی نظمامیان، به عضویت حزب دموکرات درآمد. پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به دیوبیون قراق پیوست. در سال ۱۳۰۱ بعد از بی‌ریزی ارتش جدید در رسته توپخانه به خدمت پرداخت.

در جنگ قوای دولتی با اسماعیل آقا سیمیتقو شرکت کرد و در اثر رشادت و فداکاری در جنگ در دریافت نشان ذوالفقار که عالیترین نشان نظامی ایران بود، توفیق یافت.

پس از جندي همراه عده‌ای از دانشجویان داشتند که افرادی برای آموزش فنون نظامی جدید به فرانسه اعزام و بعد از گذراندن دوره آموزش توپخانه به وطن بازگشت و فرمانده آتشبار لشکر یکم شد.^۱ در سال ۱۳۰۴ به سمت آجودانی مخصوص شاه انتخاب گردید.^۲ وی مجدداً سال ۱۳۰۷ برای گذراندن دوره داشتگاه جنگ عازم فرانسه شد و پس از مراجعت، فرماندهی هنگ توپخانه را بر عهده گرفت. ۳ سال بعد در راس گروهی از دانشجویان نظامی برای فراغیر



به کوشش رزیتا میری

صبح روز سوم شهریور
۱۳۲۰ عادی به نظر نمی‌رسید.
غوش هوایمای منافقین بر
فراز آسمان تهران مردم را از
خواب پراند. رضاشا نیز از
کاخ مرمر چشم برآسمان
داشت.

ساعته بعد خبری اعلام
شد که او را لرزاند. شمال و
جنوب ایران از جانب منافقین
اشغال شده و تگان‌های
نظمی روس و انگلیس به
سوی تهران در حرکت بودند

و رضا شاه اینک پس از ۱۶
سال حکومت مطلقه پشت
خود را خالی می‌دید و این در
حالی بود که از ارتش به ظاهر
قدرتمند رضا شاهی هیچ
مقاموتی مشاهده نشد.

مردم بهت‌زده انتظار
سقوط سریع دیکتاتور را
نمی‌کشیدند و ای به یک ماه
زرسید که رضاخان میرینج
به سوی بندرعباس و سپس
تبعدگاهش جزیره موریس
رسپبار شد.

ایران بدون مقاومت جدی
مردمی اشغال شد. و این
برای ملتی که به جنگاوری و
میهن دوستی شهره بود.
عجیب می‌نمود. تا آن تاریخ
هیچ قشونی به این راحتی
ایران را تاصحاب نکرده بود.
ولی آیا از این مردم بی‌انگیزه،
انتظار دیگری می‌توان

داشت؟ شاه بعدی با این که
معین بود با حرف و
حدیثهای منفصل و با ذات و
ننگ بر تخت سلطنت
نشست و تا سالها بعثت آن
بود که کس دیگری بر تخت
نشینید و این امر جون
نیشتری بر تن شاه فرو
میرفت.

شهریور ۲۰ تعبیره‌های
بس تلخ و گران برای ایران
بود. گران به خاطر اشغال
شنیدن و تاخی به این دلیل
که تحریره نشان داد. حاکمی
که از مردم و برای مردم
نباشد محركی در مردم
برنیمی‌انگیزد که به دفاع از
کیان خود برخیزند. دهه ۲۰
شمسی دهه‌ای پرتنش بود.
دهه‌ای سرشار از غرور،
پیروزی و شکست.

عکسها بایی از آن دوران و
عوامل موثر در این زمینه را با
هم می‌بینیم





دولت ایران به اندازه یک خان لر اثر وجودی نداشت!

دکتر احمد متین دفتری که یکی از زندانیان متفقین در اراک بود در خاطرات خود با بیان بی کفایتی رو سای ایران در زمان اشغال کشور، می افزاید که همه کبکه و بدبه دولت ایران به اندازه یک خان لر اثر وجودی نداشت.

هنگامی که در اراک بودم چند نن از لرهای اتباع مسلح حسینقلی خان پایی را تحت الحفظ آوردند. حسینقلی خان به ارتش انگلیس اولتیماتوم فرستاد که اگر آنها آزاد نشوند سربازان انگلیسی که از مرز و بوم او عبور کنند در امان نخواهند بود. این تهدید موثر افتاد و لرها آزاد شدند و وقتی که مجلس را ترک می کردند می گفتند: «فرار از این سیمهای خاردار برای آنها اشکالی نداشت اگر چند روز معطل ماندند برای این بود که تفنگ های خود را پس بگیرند». به ما ثابت شد که دولت ایران به اندازه یک خان لر اثر وجودی نداشت.

دکتر احمد متین دفتری، خاطرات یک نخست وزیر، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.



علت خشونت آیت الله کاشانی این بود که پس از ورود به اتاق بازپرس به محض ورود روی صندلی می نشیند. آن انگلیسی مغور هم متغیر شده و با خشونت به مترجم خود می گوید: پیرسید چرا بدون اجازه نشسته است؟ آیت الله هم با کمال خشونت و عصبانیت پاسخ می دهد: خیلی عجیب است در کشور من بدون اجازه وارد شده اید و حال توقیع دارید که من از تو اجازه بگیرم.

از قراری که مترجم گفته است بیش از این سوال و جوابی صورت نمی گیرد و بازپرس می گوید: به این دلیل مقرص می باشد و دیگر بازپرسی لازم نیست. پس دستور می دهد ایشان را به زندان ببرند. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ۴۰۴/۸.

از تو باید اجازه بگیرم؟!

آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی با توجه به سابقه مبارزاتی علیه استعمار در عراق، در زمان حمله متفقین به ایران توسط قوای انگلیسی دستگیر و زندانی شد. او به مقابله با آنها پرداخت و در مواجهه با بازپرس انگلیسی، قاطعیت و حاضر جوابی را توانم کرد و دماغ اشغالگران را به خاک می مالد.

علت خشونت آیت الله کاشانی این بود که پس از ورود به اتاق بازپرس به محض ورود روی صندلی می نشیند. آن انگلیسی مغور هم متغیر شده و با خشونت به مترجم خود می گوید: پیرسید چرا بدون اجازه نشسته است؟ آیت الله هم با کمال خشونت و عصبانیت پاسخ می دهد: خیلی عجیب است در کشور من بدون اجازه وارد شده اید و حال توقیع دارید که من از تو اجازه بگیرم.

از قراری که مترجم گفته است بیش از این سوال و جوابی صورت نمی گیرد و بازپرس می گوید: به این دلیل مقرص می باشد و دیگر بازپرسی لازم نیست. پس دستور می دهد ایشان را به زندان ببرند. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ۴۰۴/۸.



نگاه از درون

به کوشش آسیه آل احمد

حمله آلمن به شوروی، همسایه شمالی ایران را ناخواسته وارد جنگ جهانی کرد و شکسته های پی دربی رو سه از قوای آلمان ضرورت کمک رسانی به آنها را دو چندان کرد که در همین راستا، اشغال ایران در دستور قرار گرفت که حضور متخصصان آلمانی در ایران بهانه ای برای متفقین بود تا بتوانند بی طرفی ایران را نقض و کشور را به خود درآورند.

اگرچه انگلیس همیشه حضور پیدا و پنهان بسیاری در ایران داشت ولی این بار برای کمک رسانی به رو سه احتیاج به یک مسیر امن و آرام و در عین حال کوتاه بود که ایران بهترین شرایط را این نظر داشت. در کتب و منابع داخلی که بیشتر شامل خاطرات رجال است به این برهه حساس از تاریخ ایران بسیار پرداخته شده است که در این بخش به آن می پردازیم.

کمبود ارزاق عمومی و صعود قیمتها

پس از اشغال ایران توسط متفقین، کمبود ارزاق عمومی بحران ایجاد کرد زیرا تمام سیلوها و انبارهای غله به اشغال متفقین درآمد و تأمین آذوقه نیروهای اشغالگر در اولویت نخست قرار گرفت. حسین مکی در این زمینه می نویسد:

اشغال ایران به وسیله ارتش های بیگانه سبب کمبود ارزاق عمومی و صعود سراسام آور بهای کالاهای مصرفی شد که با شدت وضعیت بیشتر یا کمتری سراسر کشور را در بر گرفت. در حالی که رادیولند خبر از ارسال گندم برای ایران می داد، نیروهای بیگانه محصول غله ایران و بعضی مواد دیگر را به خارج حمل می کردند. به یاد دارم در این باره در همان اوقات روزنامه ها نوشتن: با رادیو گندم وارد می کنند و با کامیون خارج می نمایند.

حسین مکی تاریخ ۲۰ ساله ایران، ۲۶/۸.

تحقیق شاه ایران!



متفقین چون مالکانی دیرینه، در ایران رفتار می کردند. در زمانی که شاه جوان، تازه بر تخت نشسته بود کنفوانتی با حضور استالین رهبر شوروی، چرچیل نخست وزیر انگلستان و روزولت رئیس جمهور امریکا در تهران برگزار شد؛ اما آنان اعتنایی به شاه جوان نداشتند و او را هیچ می شمرندند.

وقتی روزولت و چرچیل و استالین محترمانه به طهران آمدند هیچ جا و هیچ کس نمی دانست. خیابان فردوسی را آدم گذاشتند. شاه خواست با آنها ملاقات کند. وقتی به آنجا رفت صندلی گذاشتند در بیرون منتظر ماند. مرحوم علا، وزیر داریا و سهیلی، وزیر امور خارجه بود. به شاه خیلی بد گذشت. علام رشید و دانا [ای] بود. رفت در هارا باز کرد و گفت اعیان حضرت همایونی تشریف می آورند. ناچار چرچیل و روزولت هر کدام عذری پیش آوردند. مثلا روزولت گفت من از بلند شدن و راه رفتن عاجزم و این قبیل حرفاها ولی شاه خیلی عصبانی شد. به سهیلی هزار فرش داد که اینها آبروی مرا بردنند.

شاه رفت خانه مورخ الدوله، [زیرا او] با رو سه ارتباط زیادی داشت. مورخ الدوله به او گفت من درست می کنم: پس مورخ الدوله رفت با رو سه ارتباط صحبت کرد و گفت حالا موقع شکار است. از دست ندهید. شما جلبش بکنید. سید حسن تقی زاده، زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار، ص ۲۶۷.

کارم تمام است

حسین فردوست، به نقل از محمد رضا پهلوی یار گرمابه و گلستان خویش، درباره انگیزه های رضاخان از نتیجه ای بر سر برای من و زندگینامه من بهتر است. ارتشب دستور مقاومت به نیروهای مسلح در مقابل قشون اشغالگر روس و انگلیس می گوید:

حلوا، حلوا...

حسین مکی، تاریخ بیست ساله، ۳۹۷/۸.



محمد رضا دلیل از گفته که پدرم می گوید: من دیگر کارم تمام است. دستور مقاومت می دهم که اقلا نگویند به قانون خارجی اجازه ورود داده است این مقاومت به هر نتیجه ای بر سر برای من و زندگینامه من بهتر است.

ارتش بزرگ حسین فردوست
ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. ۸۹/۱

گلوله های سربی برای شکمه های خالی

سرلشکر حسن ارفع که در جریان بلوای موسوم به «نان» (۱۷ آذر ۱۳۲۲) رئیس ستاد ارتش بود و با حفظ طرف مردم و خونزیری، نتیجه هولناک و مخوفی را در بر خواهد داشت... مردم فقط تقاضا دارند به آنها نان داده شود. قوام گفت آنان شعارهایی بر علیه متحدین و حکومت می دهند (مفهوم خودش بود)... قوام گفت من دستور دادم در صورت لزوم با تیراندازی مردم را متفرق نمایند. گفتم بسیار خوب ولی موجب تشرک است لطفاً کتاب دستور دهید. قوام گفت آیا دستور شفاهی و لفظی کافی نیست؟ گفتم نه، طبق نظم و قاعده ارتش، فرمان عملیات باید کتاب داده شود. گفت خیلی خوب، بدقالم برداشت سپس

با اندکی تاخیر گفت، بروید و بگویید که بعدا می فرستم، او هرگز چنین دستوری نفرستاد و تیراندازی نیز منتفی گردید. تیمسار سرلشکر بازنشسته حسن ارفع، در خدمت پنج سلطان، مترجم سیداحمد نواب، ص ۳۵۶.

ضد احتكار

در پی اعلام جرم برای محتکرین گندم و مواد غذایی، سرریدر بولارد سفیر کبیر نگلستان در ایران یکی از محتکرین را معرفی می‌کند:

چند روز پیش در روزنامه‌ها اعلام رقت انگلیزی ملاحظه شد که حاکی از آن بود که چون ملکه مادر به واسطه کمود نان غمگین شده، از املاک خود برای خیرات عمومی گندم اهدا نموده واقع امر این بود که مستشار امپراتوری کشی کرد که بود ملکه مادر، مثل سایر زمینداران، با تنهایی گندم بیش از نیاز مصرف خود و بذر سال بعد، قانون خداختگار را نقض می‌کند.

نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سرریدر بولارد

متوجه: غلامحسین میرزا صالح، ص. ۳۳۳.



کمونیسم و سرمایه داری بر ضد نازیسم

اول ساتن مستشرق انگلیسی درباره اشغال
بران و حق به جانب بودن دو دولت روس و انگلیس
ملیبه نفوذ آلمان هادر ایران چنین اظهار نظر می کند:
مردم ایران از مطالعه اوضاع جنگ و موقعیت
ن روز، چنین حدس می زند که آلمان در این
جنگ فاتح خواهد بود، اما فکر این موضوع را
می کردند و توجه نداشتند که مردم نازی
جیست و آلمانی ها نقشه جهانگیری و تسلط بر
آسیا را در سر می پرورانند. ایرانیان با این تصور به زودی
حق تاثیر تبلیغات آلمان نازی واقع می شدند و
می پنداشتند که آلمان برای نابود ساختن
نمونیزم، جهاد می کند و ایران را زیر دشمنان
بریتانیا یعنی بریتانیا و روسیه شوروی نجات
خواهد داد. برای دولتين بریتانیا و روسیه
موروی مبارزه با این افکار، بسیار سخت و دشوار
بود و مخصوصاً پس از اتحاد و همکاری اخیر بین
بن دو کشور، مبلغین نازی موفق شدند رنگی به
آن فکار و خیالات بدھند و ایرانیان پیش خود
می گفتند که دو دشمن دیرین ایران. [یعنی]
بریتانیا و روسیه شوروی اکنون برای برباد دادن
ستقلال و حاکمیت ما همدست شده اند و
می خواهند جبهه جنگ جدیدی در ایران به
وجود آورند؛ در صورتی که حقیقت درست
رعکس تصویر آنان بود.»
آل. پی. الول ساتن. رضاشاه کبیر یا ایران نو.
ترجمه عده العظام صیوی، ص. ۴۹۸.

دلسوزی از نوع انگلیسی!

سیاستمداران انگلیسی، از مدتی قبل،
روع به زمینه سازی برای اشغال ایران کردند و
ضور نیروهای آلمانی را بهانه این امر قرار
نند. از جمله آتنوی ایدن، وزیر خارجه
تکلستان طی سخنانی در مجلس مبعوثان، در
شش دلسوزی برای حفظ استقلال ایران به
سلطان نگرانی خود را ابراز کرد:
وجود عده زیادی متخصص آلمانی در ایران.
ظریبزرگی برای استقلال آن کشور ایجاد نموده
ست و دولت انگلستان از روی کمال پاکی [!] و
داقت [!] نسبت به این خطر به دولت ایران
کر داده و امیدوار است این اظهارات مورد
جه فرار گیرد.

ارتش سرخ، ناجی ملت!

سرکلارمونت اسکرین، افسر انگلیسی و مامور تبعید رضاشاو به جزیره موریس، ورود متوفقین را به خاک ایران چنین گزارش می‌کند:

بعداز ظهر ۲۹ اوت سربازان شوروی به رژه در خیابانها و تقسیم میوه و شیرینی بین مردم پرداختند و سربازان تاجیک آنان به زبان فارسی مردم را تحریک می‌کردند. آنها فریاد می‌زنند ارتش سرخ برای آزادی شماز دست خائنان طرفدار هیتلر وارد شده است. دو روز بعد هزاران اعلامیه با همین مضامین در خیابان‌ها پخش گردید.

سرکلارمونت اسکرین، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، ص ۲۰۳



استراتژی لاف و گزاف!

رس کلام مونت اسکرین سفیر انگلستان در ایران از پوشالی بن بودن ارتش انگلستان در آن زمان خبر می دهد. اهمیت بن مطلب در آن است که نشان می دهد ارتش مدرن! و یکپارچه‌ای که رضاخان پایه‌گذاری کرد تا چه حد ضعیف و دادکنی بود که در برابر چنین نیروهایی حتی چند ساعت نیز مقاومت نکرد:
 ... علاوه بر ارتش نهم (مقیم عراق) فرماندهی جدیدی برای ایران به نام ارتش دهم به وجود آمد... در روزهای اول خدمتی من بکلی از این امری اطلاع بودم که عناوین دهان پر کن ارتش نهم (در شمال عراق) و ارتش دهم (در ایران) فقط جنبه ظاهری خارج و قدرت آن را تنها چند لشکر هندی تشکیل می دهد که حتی به زحمت می تواند مقامات دشمن و متفقین ما را تحت اثیر ظاهر فربیننده خویش قرار دهد. بعدها در مشهد و سپس در تهران دریاقیم که اساس استراتژی ما را در طی زمستان آن سال فقط لاف و گزاف تشکیل می داده است اما این لاف و گزافها و توبه‌های توخالی در جریان کار موثر واقع گردید. تحت اثیر همین امر، دولت ایران در سال ۱۹۴۲ حاضر شد که قرارداد سه‌جانبه‌ای با ما و روسيه امضا کند.
 رس کلام مونت اسکرین، حنگ جهان، در ایران، توجه غلامحسین صالحغار، صص ۱۷۸، ۱۷۹.



عملیات مختصر و یو یو کت!!

گ می کردند.»

هدیه تولدیہ چرچیل

در زمان حضور سرمن منقیقین در پایان تخت ایران برای شرکت در کنفرانس تهران، جشن تولد چرچیل نخست وزیر انگلیس بروای شد. او از شاه ایران نیز هدیه دریافت کرد: روز سه شنبه ۱۸ آذرماه (۳۰ نومبر) شمش و نهمین سال تولد چرچیل بود و به مناسبت آن مراسمی در سفارت انگلیس بروای گردید که حدود ۳۰ نفر در آن حضور داشتند. روزولت و استالین در این جشن شرکت کردند و در سر میز شام نطق هایی ایراد شد و هدایایی از طرف هیات های دول سه گانه به چرچیل اهدا گردید. محمد رضا شاه هم یک تخته قالی خراسانی خیلی عالی به او هدیه کرد.

انگلیسی های دنیال شاه حدید

البيهاردي منشي مخصوص اين وزير خارجه انگلستان درباره حمله روس و انگليس به ايران در ۲۵ آوت ۱۹۴۱ (شهریور ۱۳۲۰) سخن مي گويد. وي در يادداشت های خود به بحث جانشين برای شاه ايران اشاره و تصريح مي کند که باز ديگر بحث انتقال سلطنت به فاجاريه مطرح شده بود:

در كلبيه تصميم گرفته شد که شاه ايران بايد دير يا زود کنار برود. ايراني ها اکنون

نگاه از بیرون

جنگ دوم جهانی، جنگی فراگیر بود که اگرچه ایران در ابتدای آن اعلام بی طرفی کرد، ولی توسط دول متفق با اجراء به آن وارد شد و با حضور قوای متفقین در خاک ایران، به پایگاه و شاهراهی برای آنان تبدیل شد که بعد از آن را «پل پیروزی» خواندند. رجال و دولتمردان انگلیسی در خاطرات خود به این دوره پرداخته‌اند و پرسشهایی که به آن می‌پردازیم برگفته از خاطرات دست‌اندرکاران غربی در آن عصر و همچنین مطالب نشریات و اظهارات صاحب‌نظران است.

کناره گیری یا بر کناری؟!

محمد رضا شاه در مصاحبه‌ای که مارگارت لاینگ با وی انجام داده است، می‌کوشد به شکلی مذبوحانه «برکناری» پدر خویش را «کناره‌گیری» عنوان کند: [ارضashاه] در صبح روز ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱ (۲۵) شهریور ۱۳۲۰ محمد رضا را بدون اطلاع قبلی به حضور خود خواهند و به او گفت که تضمیم دارد از سلطنت کناره‌گیری کند. برای پسر خود توضیح داد که: «من نمی‌توانم شاه اسمی پک کشور تسخیر شده باشم و پک افسر جزء انگلیسی یاروسی به من دستور دهد. مارگارت لاینگ، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، ص. ۹۹.



ادعای سفیر انگلستان (۴۵ روز قبل از حمله به ایران) :

اشغال ایران، مخالف حیثیات انگلستان است!

آلمان‌ها را در همان روزهای اول از ایران اعزام داشت. اختلاف نظر در طرز طرح قضیه بود زیرا طرز انشاء یادداشت‌های مزبور برخلاف حقوق حاکمیت و استقلال ایران و صورت یک یادداشت غیرقابل قبولی را داشت و تقاضای دولت ایران هم این بود که طرز انشاء و نگارش آنها اصلاح گردد و چنان که در تهران و مسکو و لندن مکرراً وعده داده شده بود. مقامات مربوطه ایران در اعزام قسمت اعظم آلمانی‌های مقیم ایران موفق بودند. به علاوه باید

مولوتف و کمیسراهی دیگر است. رفتیم. پس از یک ربع انتظار آقای مولوتف، مراجعت و از این که در این وقت بی موقع مرا از بیلاق به شهر آورده است، معدتر خواسته. اظهار داشت: نظر به این که عدد بسیار مهمی از عمال آلمانی به عنایین مختلفه در ایران بر علیه دولت شوروی و مت硏ش انگلستان مشغول دسیسه و تحریکات می‌باشد و دولت ایران به یادداشت‌های دوستانه انگلیس و شوروی وقعي نگذاشته و چنانکه تقاضا شده بود اقدامی در اخراج آنان از خاک ایران به عمل نیاورده.



یک

پنجمین

۴

شنبه

۵

شنبه

۶

شنبه

۷

شنبه

۸

شنبه

۹

شنبه

۱۰

شنبه

۱۱

شنبه

۱۲

شنبه

۱۳

شنبه

۱۴

شنبه

۱۵

شنبه

۱۶

شنبه

۱۷

شنبه

۱۸

شنبه

۱۹

شنبه

۲۰

شنبه

۲۱

شنبه

۲۲

شنبه

۲۳

شنبه

۲۴

شنبه

۲۵

شنبه

۲۶

شنبه

۲۷

شنبه

۲۸

شنبه

۲۹

شنبه

۳۰

شنبه

۳۱

شنبه

۳۲

شنبه

۳۳

شنبه

۳۴

شنبه

۳۵

شنبه

۳۶

شنبه

۳۷

شنبه

۳۸

شنبه

۳۹

شنبه

۴۰

شنبه

۴۱

شنبه

۴۲

شنبه

۴۳

شنبه

۴۴

شنبه

۴۵

شنبه

۴۶

شنبه

۴۷

شنبه

۴۸

شنبه

۴۹

شنبه

۵۰

شنبه

۵۱

شنبه

۵۲

شنبه

۵۳

شنبه

۵۴

شنبه

۵۵

شنبه

۵۶

شنبه

۵۷

شنبه

۵۸

شنبه

۵۹

شنبه

۶۰

شنبه

۶۱

شنبه

۶۲

شنبه

۶۳

شنبه

۶۴

شنبه

۶۵

شنبه

۶۶

شنبه

۶۷

شنبه

۶۸

شنبه

۶۹

شنبه

۷۰

شنبه

۷۱

شنبه

۷۲

شنبه

۷۳

شنبه

۷۴

شنبه

۷۵

شنبه

۷۶

شنبه

۷۷

شنبه

۷۸

شنبه

۷۹

شنبه

۸۰

شنبه

۸۱

شنبه

۸۲

شنبه

۸۳

شنبه

۸۴

شنبه

۸۵

شنبه

۸۶

شنبه

۸۷

شنبه

۸۸

شنبه

۸۹

شنبه

۹۰

شنبه

۹۱

شنبه

۹۲

شنبه

۹۳

شنبه

۹۴

شنبه

۹۵

شنبه

۹۶

شنبه

۹۷

شنبه

۹۸

شنبه

۹۹

شنبه

۱۰۰

شنبه

۱۰۱

شنبه

۱۰۲

شنبه

۱۰۳

شنبه

۱۰۴

شنبه

۱۰۵

شنبه

۱۰۶

شنبه

۱۰۷

شنبه

۱۰۸

شنبه

۱۰۹

شنبه

۱۱۰

شنبه

۱۱۱

شنبه

۱۱۲

شنبه

۱۱۳

شنبه

۱۱۴

شنبه

۱۱۵

شنبه

۱۱۶

شنبه

۱۱۷

شنبه

۱۱۸



سند شماره ۷

درخواست روسها برای تغییر
یک افسر ایرانی
از تبریز

کشف تلگراف رمز تیمسار سرلشکر مقدم تاریخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۲۲

ریاست وزرا

کاخ ایض = سفید[جناب آقای نخست وزیر پیرو
۹۸۱ مجدد مقامات شوروی تغییر سرهنگ رستگار را
به قید فوری خواستار [شنده] متنمی اقدام فوری
[است]

۲۲/۵/۱۸ - سرلشکر مقدم

سند شماره ۸

مخالفت شوروی با یک کاندیدای مجلس
وزارت کشور

وزارت کشور - تقریباً دو ماه است که اعتراضاتی از طرف سرکنسول شوروی نسبت به آقای دکتر قاسم اهربی شده که ایشان از اشخاص مخالف دولت شوروی می‌باشد و در مجلس دوره سیزدهم به واسطه این که دولت می‌خواست عقد قراردادی با دولت شوروی منعقد نماید. ایشان به عنوان مخالفت از کالت استعفا دادند و فعلاً نیز اقداماتی می‌نمایند که برای دوره چهاردهم از اهر و کیل شود. لهذا سرکنسول مخالف کاندید ایشان بوده و نمی‌خواهد در موقع انتخابات در اهر بماند و جدا عدم توقف او را در حضور آقای عضدی از اهر خواستار شدند. به این طریق تلگراف شد به تبریز بیاید تا مراتب به مرکز عرض [شود] و مذاکرات لازم به عمل آید. مراتب برای استحضار به عرض می‌رسد.

احمدی

سند شماره ۹

مداخلات سفارت انگلیس

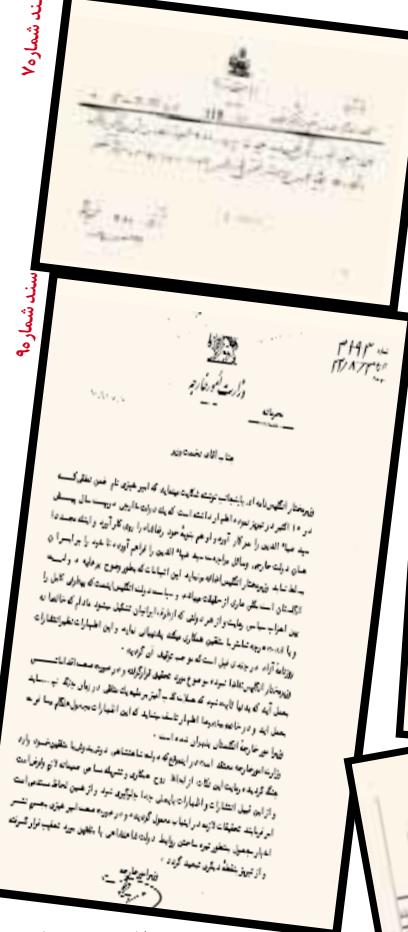
جناب آقای نخست وزیر
وزیر مختار انگلیس نامه‌ای به اینجانب نوشته شکایت می‌نماید که امیر خیزی نام، ضمن نطقی که در ۱۵ اکتبر در تبریز نموده، اظهار داشته است که یک دولت خارجی در ۲۰ سال پیش سید پیغمbara الدین را سرکار آورد و او هم به نوبه خود رضاشاه را روی کار آورد و اینک مجدد همان دولت خارجی وسائل مراجعت سید پیغمbara الدین را فراهم آورده تا خود را بر ایران مسلط نماید. وزیر مختار انگلیس اضافه می‌نماید این اتهامات که به طور وضوح بر علیه دولت انگلستان است، به کلی عاری از حقیقت می‌باشد و سیاست دولت انگلیس این است که بی‌طرفی کامل را بین احزاب سیاسی، رعایت و از هر دولتی که از طرف ایرانیان تشکیل می‌شود، مدام که خالصانه و باشد هرچه تمام‌تر با متفقین همکاری می‌کند، پشتیبانی نماید و این اظهارات، نظری انتشارات روزنامه آزاد در چندی قبل از توقيف آن گردید.

وزیر مختار انگلیس تقاضا نموده موضوع مورد تحقیق قرار گرفته و در صورت صحت، اقداماتی به عمل آید که به دنیا ثابت شود که حملات کذب آمیز بر علیه یک متفقی در زمان جنگ نماید به عمل آید و در خاتمه، مخصوصاً اظهار تأسف می‌نماید که این اظهارات مجعلون هنگام مسافرت وزیر امور خارجه انگلستان به تهران شده است.

وزارت امور خارجه معتقد است در این موقع که دولت شاهنشاهی دوش به دوش، با متفقین خود وارد جنگ گردیده، رعایت این نکات از لحاظ روح همکاری و تشریح مساعی صمیمانه، لازم وفرض است؛ و از این قبیل انتشارات و اظهارات بایستی جدا جلوگیری شود و از همین لحاظ مستدعی است امر فرمایند در تحقیقات لازمه در این باب معمول گردیده و در صورت صحت، امیر خیزی به جرم نشر اخبار مجعلون، به منظور تیره ساختن روابط دولت شاهنشاهی با متفقین. مورد تعقیب قرار گرفته و از تبریز به نقطه دیگری تبعید گردید.

تصمیمی منوط به اراده مبارک شاهانه است.

در خاتمه ملتزماً به پیشگاه مبارک پیشنهاد می‌شود در صورت تصویب اجازه فرمایند شورای دفاع ملی مرکب از هیات دولت، کفیل وزارت جنگ، کفیل سたاد ارتش سرلشکر بیزان پناه، فرماندهان لشکرهای ۱ و ۲ و امرای عضو ستاب جنگی در پیشگاه مبارک و یا والاحضرت همایونی [حمد] مردم رضا پهلوی، ولی‌عهد فوری تشکیل و تصمیمات لازمه اتخاذ شود. در حاشیه این سند نوشته شده است: [عیناً از شرف عرض گذشت. فرمودند:



والا حضرت لازم
نیست خودشان تصمیم بگیرند. ببینم چه می‌خواهند بکنند؟
توضیح: ظاهراً منظور رضا شاه از «ببینم چه می‌خواهند بکنند» سران متفقین یا انگلستان است که او منتظر تصمیم آنها بوده است!!

سند شماره ۱۰

ادامه مقاومت هیچ فایده ای ندارد!

به فرمان مبارک میمنت همایون شاهنشاهی شورای عالی دفاع در ساعت ۱۲ روز پنجم شهریور ۱۳۲۰ در ستاب ارتش مرکب از هیات دولت و ستاب جنگی و فرماندهان پادگان مرکز و فرماندهان لشکرهای ۱ و ۲ تشکیل و پس از بررسی اوضاع نظامی و گزارش سرتبی قدری که از زنجان گزارش ملوکانه و مذاکراتی که از طرف دولت با نمایندگان دولتین انگلیس و شوروی نموده بودند، شورا چنین تصمیم گرفت و پیشنهاد می‌نماید که چون مواضع دفاعی مهم به دست نیروهای بیگانه افتاده، ادامه مقاومت با فرض این که لشکرهای ۱ و ۲ مرکز برای آخرین وحله در حاشیه پایتخت دفاع شاهنشاهی هیچ گونه فایده‌ای برای کشور شاهنشاهی نخواهد داشت. در صورتی که اگر امروز اعلامیه از طرف دولت مبنی بر ترک مقاومت منتشر و به سفارت‌خانه‌ها ابلاغ شود بیشتر احتمال می‌رود در مذاکرات سیاسی که فعلاً در جریان هست نتیجه بهتری به دست آید. منوط به اامر مبارک ملوکانه است: [در حاشیه این سند نوشته شده است: [فرمودند: بعد تصمیم می‌گیریم

عصر ۲۰/۶/۵

سند شماره ۱۱

پیشنهاد تشکیل جلسه شورای دفاع ملی
وزارت جنگ

ستاد ارتش

ستاد جنگ پس از بررسی وضعیت فعلی به عرض مرساند:

مقرر فرمودند به لشکر ۳ دستور داده شود متوجه قفالاتکوه شود و لااقل دو هنگ پیاده فوراً حرکت دهنده و لشکر ۱۵ هم در خطی که پیشنهاد کرده بود برقرار شود.

طبق آخرین گزارش نگرانی سرلشکر مطبوعی، که از خط مهاباد و سندنج وصل شده، تبریز به این طبق آنچه این سند نشاند و اینجا باقی نمانده است و باقیمانده لشکر ۳ در محور

عمل آورم

آقای مولوتف اظهار داشت: عده آلمان‌ها در ایران طبق اطلاعاتی که داریم خیلی بیش از آن است که مقامات وابسته ایران قلمداد می‌نمایند و این که می‌گویید دولت ایران استعمال

قرارداد مدت ۱۹۲۱ را دستاویز قشون کشی به ایران می‌نمایید، البته می‌دانید این ماده موقعي نوشته شده که ارتش انگلیس ایران را تصرف نموده و به قفقازیه مم آمده بود و به اصطلاح این ماده برعیله تجاوز قشون انگلیس به ایران در عهدنامه گنجانده شده و حقیقتاً موجب بسی حیرت است که دولت شوروی ماده‌ای را که به عنوان حمایت [از] تمامیت و حاکمیت و استقلال ایران در می‌نماید، به اینجا باقی نمانده گنجانده بود، امروز بر علیه تمامیت و حاکمیت و استقلال ایران استعمال می‌نماید، به علاوه در ماده شش، ذکر شده «در صورتی که قشون دولت دیگری به ایران دست انداری نماید» و امروزه به هیچ چنین قضیه‌ای وجود ندارد و به همین جهت گذیلی این اقدام دولت شوروی را نمی‌تواند تبرئه نماید، لذا جدا خواهش می‌کنم فوراً اقدام لازم بفرمایید که از ورود قشون به ایران جلوگیری شود تا بتوانم تمام اقدامات لازمه را برای تامین نظریات شما به عمل آورم

آقای مولوتف اظهار داشت: عده آلمان‌ها در ایران خارج شده‌اند نظر ما آلمان‌ها نموده و عده‌ای هم خارج شده‌اند نظر ما را تامین نمی‌کند، استدلال در مفهوم ماده شش هم صحیح نیست، زیرا علاوه بر این که قشون انگلیس هم وارد ایران می‌شود، [به علت] وجود عده زیادی آلمانی در ایران، ما در قشون کشی به ایران حق هستیم و چون تصمیم قطعی گرفته شده است، متأسفانه نمی‌توانیم از ورود قشون به ایران جلوگیری کنیم و از شخص شما خواهشمندم اقدام لازمه فرمایید که این قضیه به طور مسالمت آمیزی انجام یابد.

جواب دادم: پاسخهای جناب‌عالی به هیچ وجه مقنع نبوده و باید با نهایت تاسف اظهار دارم بر علیه آنچه که تاکنون دولت شوروی همیشه اظهار می‌داشت که سیاست مستقلی را داراست در این عمل حق شکنانه، دولت شوروی کاملاً تابع نظریات و سیاست دیگران شده است.

آقای مولوتف با لحن مخصوص اظهار داشت: هرگز چنین چیزی نیست؛ همیشه سیاست مستقل مخصوص خود را داریم.

جواب دادم متأسفانه در این رفتار، دولت شوروی کاملاً از سیاست دیگران متابعت نموده است.

آقای مولوتف که منتظر این جواب صریح دندان‌شکن نبود، با عصبانیت اظهار داشت: ما در تمام عملیات خود مستقل بوده و مطمئن باشید که ما آلمان‌ها را هم شکست خواهیم داد.

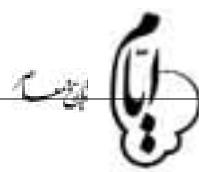
بنده در مقابل این اظهار سکوت نمودم، نایبرده که شاید انتظار داشت که اینجانب نظریه او را تایید نمایم، با حرکت عصبانی مخصوصی، سیگاری برداشت، آتش زد و یکبار دیگر گفت: بلی، مطمئن باشید ما این دشمن را هم در هم خواهیم شکست و باز از طرف من جز سکوت چیزی نشنید؛ و ملاقات در ساعت سه و نیم بعد از نصف شب به پایان رسید.

سند شماره ۱۲

به چه سمتی عقب نشینی کنیم؟!

کفالت ستاب ارتش سرتبی قادری که از زنجان گزارش می‌دهد موضع گردنه نیر سقوط نموده است. ارتباط تلگرافی با ربدیل و سرابقطع شده است. در باخر واحدهای لشکر ۱۳ بطری ارتفاعات قلاچه عقب‌نشینی و از گردنه پاطق بطری چهار زیر عقب می‌نشینید. در خوزستان تعرض از بستان باعث احاطه اهاز خواهد شد و در هر صورت لشکرهای در ضمن دفاع و عقب‌نشینی از بین خواهند رفت و دو لشکری که از زنجان گزارش می‌گردند نیر سقوط نموده است. ارتباط در مرکز راه روده شدن لشکرهای مرزی تمام دهنده و در کدام محور و به همین جهت مقدامات تعریض در منطقه گرگان و سرخس نیز مشهود است. در نتیجه تعرض در تمام مرزهای شمالی و غربی کشور، از نظر نظامی راه حلی باقی نمانده و هرگونه تسلیک لشکر ۱۵ معین گردد.

۲۰/۶/۳ - سرلشکر مطبوعی



سایر منابع

از دیگر منابعی که پیرامون اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و تبعات ناشی از آن تدوین و منتشر شده است، می‌توان به کتابهای زیر اشاره کرد:

✓ آرتور میلسیو، امریکایی‌ها در ایران (خطاطران دوران جنگ جهانی دوم)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۰.

✓ ایران در اشغال متفقین (بازداشت شدگان)، تهران، اداره کل، آرشیو، اسناد و موزه، شهریور ۱۳۷۶.

✓ بهنار زرین کلک (به کوشش)، استنادی از روابط ایران و انگلیس (۱۳۲۵-۱۳۲۰)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج. ۱، ایران، ۱۳۸۲.

✓ حسین مکی، تاریخ ۲۰ ساله ایران، جلد هفتم و جلد هشتم، تهران، علمی ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴.

✓ درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، زیرنظر هوشنگ انصاری، تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۱۳۵۶.

✓ ریچارد آستواتر، در آخرین روزهای رضاشاه، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۳۰، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، بنی، ۱۳۷۰.

✓ سرکلامونت اسکرین، جنگ جهانی در ایران (خطاطران سرکلامونت اسکرین)، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، سلسله ۱۳۶۳.

✓ سر کلامونت اسکرین، جنگهای جهانی در ایران، ترجمه حسین فراهانی، تهران، نوبن، ۱۳۶۳.

✓ صفات الدین تبرائیان (به کوشش)، ایران در اشغال متفقین، مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۲۴

تهران، رس، ۱۳۷۱.

✓ علیرضا ارغندی، روابط خارجی ایران (دولت دست نشانده)، تهران، قومن، ۱۳۷۶.

✓ کامران میرزا کامران، ایران: جنگ دوم جهانی، تهران، بنی، تا.

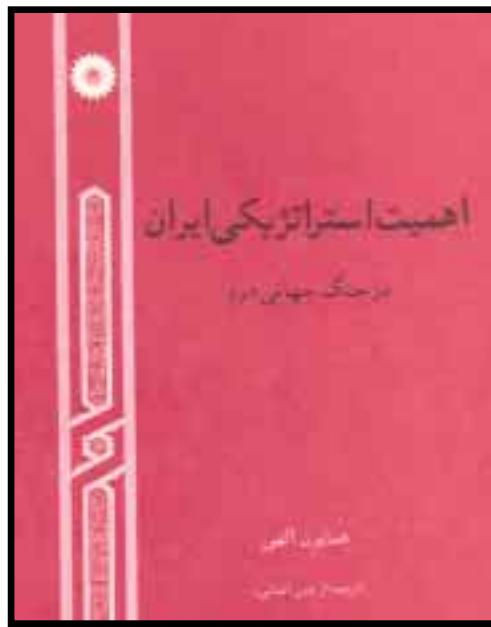
✓ کنفرانس تهران، اعلامیه ۳ دولت راجع به ایران (آذر ۱۳۲۲-۱۳۴۳)، تهران، وزارت امور خارجه، بنی، تا.

✓ محمد ترکمان (به کوشش)، استناد نقض بی طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰، تهران، کویر، ۱۳۷۰.

✓ محمدخان ملک بزدی، ارزش مساعی ایران در جنگ ۱۹۴۵-۱۹۴۶، تهران، بنی، تا.

✓ محمدخان ملک بزدی، غوغای تخلیه ایران، تهران، سلسله، ۱۳۶۲.

✓ منصور بدخشان (به کوشش)، ایران در شهریور ۱۳۲۰، تهران، بنی، ۱۳۲۱.



اهمیت استراتیکی ایران در جنگ جهانی دوم



نویسنده: دکتر همایون الهی

ناشر: مرکز نشر دانشگاهی

قطعه: وزیری/ ۳۴۴ صفحه

از جمله معده کتب و منابعی که با نگرشی علمی موضوع جنگ جهانی دوم و گسترش دامنه آن به ایران و نیز دلایل روند و تبعات آن را مورد توجه و عنایت جدی قرار داده است، کتاب «اهمیت استراتیکی ایران در جنگ جهانی دوم» نوشته دکتر همایون الهی است.

این کتاب، پایان نامه مقطع دکتری مولف است که در سال ۱۳۵۷ در دانشگاه هانوفر دفاع شده است. این اثر علاوه بر پیشگفتار، در پنج فصل مبسوط، تدوین یافته و در نگارش آن، از استناد و مدارک و منابع پژوهشی بهره گرفته شده است.

فصل اول به ریشه‌های تاریخی شکل‌بندی بلوکهای امپریالیستی در اروپا و دلایلی که موجبات جنگ جهانی دوم را فراهم آوردند، اشارات جالب توجهی دارد.

فصل دوم با بیان روابط ایران با قدرتهای بزرگ و موقعیت جغرافیایی و استراتیکی ایران و خاورمیانه، به دلایل متعددی می‌پردازد که حوزه جغرافیایی ایران را برای قدرتهای درگیر در جنگ پراهمیت ساخته بود. نویسنده در این فصل درباره نوع روابط و تعامل ایران با کشورهای آلمان، شوروی و انگلستان اشارات جالب توجهی دارد.

فصل سوم به تحولات سریع صورت گرفته در جبهه‌های نبرد در اروپا و گسترش جنگ به شرق می‌پردازد. به دلایل اشاره

می‌کند که موضوع اشغال ایران از سوی انگلستان و شوروی (و اساساً متفقین) ضروری می‌ساخت. در این فصل درباره دستاوردهای متفقین و روند اشغال ایران از سوی این کشورها اطلاعات مبسوط و قابل توجهی ارائه شده است.

فصل چهارم کتاب پیرامون کناره‌گیری رضاشاه از سلطنت و تبعات آن در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران و نیز طرحها و اقدامات متفقین برای گسترش نفوذ و حضور در ایران مطلب

به کوشش مظفر شاهدی

با توجه به در خواست

خوانندگان محترم و

علاقمندان به مطالعه

بیشتر پیرامون موضوعات

تخصصی، از این شماره بر آن

شدمیم تا برای مطالعه

و تحقیق افزونتر

شما عزیزان، آنلای چند را

پیرامون «موضوع ماه»

در اختیارات قرار دهیم.

در این صفحه، برخی کتابها

به صورت مبسوط و بعضی

به شکل خلاصه (و درستون

کناری) معرفی می‌شوند.

ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم

دوم» نوشته دکتر ارج ذوقی از اهمیت و جایگاه

قابل توجهی برخوردار است.

این کتاب اولین بار در سال ۱۳۶۷ از سوی

انتشارات پژوهشگفتار

شامل ۱۰ فصل (که متن اصلی کتاب را در بر

دارد) به شرح زیر است:

فصل اول به تاریخ شکل‌گیری روابط ایران و

آلمن تا دوران جنگ جهانی دوم می‌پردازد.

فصل دوم به دستاوردهای و دلایل اشاره می‌کند

که اشغال ایران از سوی متفقین را ضروری

می‌کرد.

فصل سوم اوضاع سیاسی، اجتماعی ناسیمان

ایران در دوران اشغال را بررسی می‌کند

موقعيت و فعلیت برخی از احزاب سیاسی (نظیر

حزب توده و حزب اراده ملی) سخن به میان آمد

است.

فصل چهارم به دخالت‌ها و سیاست‌های

بریتانیا در شوون مختلف کشورمان پرداخته شده

و از منفور بودن این کشور در نزد مردم ایران

سخن به میان آمد است.

فصل پنجم به سیاست‌ها و اقدامات شوروی

در شوون مختلف نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی و

فرهنگی و فشارها و دخالت‌های سیاسی این

کشور در ایران طی سالهای جنگ جهانی دوم

می‌پردازد.

فصل ششم درباره حضور نیروهای امریکایی



نویسنده: دکتر ارج ذوقی

ناشر: انتشارات پژوهشگفتار

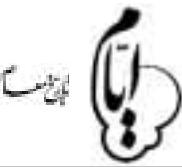
قطعه: وزیری/ ۴۲۲ صفحه

از مهمترین کتب و آثاری که تاکنون درباره

گسترش دامنه جنگ جهانی دوم به ایران و روابط

آن با قدرتهای درگیر در جنگ تدوین شده است.

کتاب «ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی



شد. حمایت آشکار می کرد.
منبع: علی رفیعی، بر سرینگ نور، چاپ اول،
انتشارات کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی
مرعشی نجفی، ۱۳۷۳، صص ۱۰۸-۱۳.

ارتحال آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

وی که از شان و مقام علمی والایی برخوردار بود، به تالیف دهها کتاب و اثر علمی همت گماشت و کارنامه علمی و فرهنگی کم‌نظیر از خود به یادگار گذاشت. تأسیس، تعمیر و بازسازی دهها مدرسه، مسجد، درمانگاه و بیمارستان از جمله اقدامات ارزشمند ایشان به شمار می‌رسد. مهمترین اقدام معظمه اما، تأسیس و گسترش کمی و کیفی کتابخانه علیمی بود که به نام خود ایشان در شهر قم پذیرای هزاران اندیشه‌مند و علاقه‌مند به فعالیتهای علمی و فرهنگی است. در حال حاضر فرزند ایشان حجت‌الاسلام دکتر سید‌محمد مرعشی نجفی پس از درگذشت پدر، تولیت و مدیریت کتابخانه عظیم آیت‌الله مرعشی را بر عهده دارد.

ایشان در دعوت از آیت‌الله العظمی بروجردی جهت حضور در قم نقش قبلی اخلاقی و فضایل انسانی جایگاه کمنظیری داشت. در تمام سالها منتقد روشن ناصواب حکومت پهلوی (بدر و پسر) بوده و از مبارزاتی که نهایتاً به پیروزی انقلاب اسلامی منجر

پرتابش شد. آیت‌الله مرعشی اشتیاق فراوان به تداوم دانش‌آموزی و تهیه و مطالعه کتب و آثار مختلف دینی و اسلامی داشت و تعداد کثیری از علماء مراجع زمان به اواجهه اجتهاد (شفاهی و کتبی) دادند.

تیر ۱۲۷۶ برای با ۲۱ جولای ۱۸۹۸ (مقالن با دوران سلطنت ظفرالدین شاه قاجار) در شهر نجف اشرف به دنیا آمد و در ۷ شهریور ۱۳۶۹ اشرف را به قصد ایران ترک کرده و در شهر قم مسکن گزید و در طول دوران سلطنت رضاشاه در تحکیم و ثبت موقعيت حوزه علمیه قم تلاشی پیگیر انجام داد و روابط بسیار نزدیکی با آیت‌الله حائری بنیانگذار حوزه علمیه قم برقرار کرد.

ایشان در دعوت از آیت‌الله العظمی بروجردی توجه داشت و پس از رحلت ایشان در زمرة مهمترین مراجع جهان تشیع قرار گرفته و در طول سالیان طولانی، شاگردانی بسیار تربیت کرد. آیت‌الله مرعشی از همان دوران کودکی و نوجوانی اشتیاق و علاقه‌فرانوی به فراگیری علوم دینی و حوزوی و سایر علوم متداوله نشان داد و در محضر درس دهها تن از علماء و استادی حوزه تلمذ کرد و در حدود ۲۷ سالگی در سک

حضرت آیت‌الله العظمی سید‌شہاب‌الدین مرعشی نجفی فرزند آیت‌الله سید‌شمس‌الدین مرعشی از سلسه مرعشیان طبرستان که نسب آنان به حضرت امام سجاد(ع) می‌رسد. در ۲۰ صفر ۱۳۱۵ تیر ۱۲۷۶ برای با ۲۱ جولای ۱۸۹۸ (مقالن با

دوران سلطنت ظفرالدین شاه قاجار) در شهر نجف اشرف به دنیا آمد و در ۷ شهریور ۱۳۶۹ اشرف را به قصد ایران ترک کرده و در شهر قم پس از قریب به ۹۴ سال زندگی و عمر پریار جان به جان افرین سلیمان کرد.

پدرش آیت‌الله سید‌شمس‌الدین مرعشی و نیز مادر بزرگش بی‌شمش شرف بیگم نحسین معلمان ایشان بودند. آیت‌الله مرعشی از همان دوران کودکی و نوجوانی اشتیاق و علاقه‌فرانوی به فراگیری علوم دینی و حوزوی و سایر علوم متداوله نشان داد و در محضر درس دهها تن از علماء و استادی حوزه تلمذ کرد و در حدود ۲۷ سالگی در سک

علمان و فقیهان بر جسته درآمد و مجتهده فقط امکان بیان ۴ واقعه را یافته که اینک پیش روی شما عزیزان قرارداد



وفات میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک

وزیر دربار احمدشاه شد و در رجب ۱۳۲۸ رئیس‌الوزرا شد و تا ربیع‌الاول ۱۳۲۹ در این سمت باقی بود. در صفر ۱۳۳۱ در کابینه علاء‌السلطنه وزیر جنگ شد و در رمضان ۱۳۳۲ برای دیگر رئیس‌الوزرا اشارة و مهمترین اقدامش اعلام بیطری ایران در جنگ جهانی اول بود. مستوفی‌الممالک در ۲۵ بهمن ۱۳۰۱ پنجمین دوره ریاست‌الوزرایی خود را تصریح کرد و تا ۲۱ خرداد ۱۳۰۲ که در پاسخ استیضاح، نمایندگان را به بد انتقاد گرفت، کماکان در این سمت باقی بود و در ۱۶ خرداد ۱۳۰۵ هم برای آخرین بار نخست وزیر شد و در اول خرداد ۱۳۰۶ از تمام مشاغل دولتی کناره‌گیری کرد. مستوفی‌الممالک مشهور به وطن‌دوستی، آزادیخواهی و عزت نفس بوده و در شمار رجال خوشان قرار داشت. او معروف به آلمان‌دوستی و مخالفت با انگلیسی‌ها و روسها بود و آلوگوگی و فساد مالی نداشت. از او ۹ پسر و ۱۳ دختر باقی ماند.

در ۶ شهریور ۱۳۱۱ میهمان سردار فاخر حکمت بود که پس از صرف چای و شربت دچار دل دردی شدید شد و مصرف قرص بر و خامت حالش افزود و فی‌المجلس جان خود را از دست داد. همان زمان در (در میان مردم شایع بود که مستوفی‌الممالک) در کمال تندرسی به امیرزاده قاسم رفته و در باغ سردار فخر خود را مسحوم کردند. منبع: ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، چاپ اول، ۱۳۴۴، ص ۵۲۸-۵۹۵

میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک تا حدود سال ۱۳۱۷ ق. که مقارن با دوران سلطنت مظفرالدین شاه بود، در این سمت باقی ماند و سپس به اروپا رفت و در صفر ۱۳۲۵ به تهران بازگشته و در دولت اتابک وزیر جنگ شد و در کلینه‌های دیگر دوران مشروطه اول هم این سمت را دارا بود و پس از فتح تهران مدتی



در گذشت دکتر نائل خانلری

دکتر پرویز نائل خانلری، فرزند میرزا ابوالحسن خان خانلری

شهادت سیدعلی اندرزگو



در ۲۰ آبان ۱۳۱۷ / رمضان ۱۳۵۷ در تهران سید‌اسدالله اندرزگو صاحب پسری شد که او را سیدعلی نامید. سید اسدالله بنا بود و هفت فرزند داشت که سیدعلی آخرین آنان بود. سیدعلی پس از بیان دوران تحصیلی ابتدایی در مدرسه فرحی به علت مشکلات مالی خلواده ناگزیر ترک تحصیل کرد و وارد بازار کار شد. پس از مدتی برخی دروس حوزوی نظری جامع المقدمات، نهج البلاغه و فقه و اصول را نزد برخی روحانیون (از جمله حجج اسلام بروجردی و میرزا علی اصغر هندی) فراگرفت. پس از آن مدتی در قم و نجف اشرف به تحصیلات حوزوی مشغول بود. سپس برای بقیه حوزه علمیه آن شهروفت و از محضر استادی ایشان چون آیت‌الله مکارم شیرازی و آقای دوزدوزانی بهره‌مند شد. در اوایل دهه ۱۳۴۰ شغل نجاری را رها کرد و با عضویت در شاخه نظامی هیات‌های مؤتلفه، تا آخر عمر، مبارزه‌ای طولانی را با رژیم پهلوی در پیش گرفت. اندرزگو در دوران مبارزه از پوشش‌های شغلی و اسامی مستعار متعددی استفاده می‌کرد و این همه اساساً به مقتضای مبارزه چریکی و مسلحه بود. از مهمترین اقدامات او طراحی و مشارکت فعال در تور اتفاقی حسنه علی منصور، نخست وزیر وقت در بهمن ۱۳۴۳ بود. از آن پس سلاوک و مجموعه حکومت برای شناسایی و دستگیری ایشان تمهدیات گسترده‌ای را به کار گرفتند که با تایزه‌هوشی وی، همگی ناکام ماند و اورده شرها مخفیانه مختلف ایران با نام و مشاغل مستعار مدت‌ها سلاوک را سردرگرد کرد.

وی همچنین گروههای چریکی حزب الله و سازمان مجاهدین خلق را (در مقطعی که هنوز به مارکسیسم تغییر ایدئولوژی نداده بودند) در مبارزه چریکی و مسلحه با رژیم پهلوی باری داد. در این مدت سلاوک کماکان جهت شناسایی او به تلاش‌های گسترشده خود مشغول بود تا آج‌که در سالهای پایانی عمر رژیم پهلوی سلاوک جهت نفوذ در میان حلقه آشنازیان و دوستان و هم مسلکان سیاسی - مذهبی او بر تمهدیات خود افزود و با رسیدن تلفن و آدرس ایشان، نیروی قابل توجه را برای به دام انداختن اوبه کار گرفت تا نهایتی در روز ۲ شهریور ۱۳۵۷ مقارن با یام ماه رمضان و ضربت خودرن و شهادت حضرت علی (ع) پس از سالها مبارزه چریکی تحسین برانگیز، توسط تعداد زیادی مامور سلاوک محاصره شد و هدف دهها گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. منبع: سردار سفراز شهید حجت‌الاسلام سیدعلی اندرزگویه روابط اسناد سلاوک، چاپ اول، تهران مرتکبررسی استاد تاریخی ۱۳۷۷

نخست وزیری اسدالله علم نیز وزیر فرهنگ شد و تا واپسین دوران عمر رژیم پهلوی همکاری و ارتباط نزدیک خود را با خانلری را خلق کرد. خانلری در اول شهریور ۱۳۶۹ پس از حدود ۷۷ سال زندگی، در تهران درگذشت و در بهشت زهراء به خاک سپرده شد. منبع: منصور رستگار فسایی، احوال و آثار پرویز نائل خانلری

محافل علمی، ادبی و روشنگری به چهارهای شاخص و شناخته شده تبدیل شد و کتب، مقالات و آثار پرشماری را به رشته تحریر درآورد. با این احوال نزدیکی تدریجی اوبه دستگاه پهلوی، آن هم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با معافونت وزارت کشور در سال ۱۳۳۴ آغاز شد، اعتبار و شان شخصیتی و فکری او را در نزد جامعه علمی، ادبی و روشنگری کشور پایین آورد و انتقادات تندی متوجه وی شد. اما خانلری بدون توجه به این انتقادات در همان دهه ۱۳۳۰ دو بار سناطور انتصابی مازندران و در دوران

خدود در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران دفاع کرد و سالها تدریس در دبیرستان‌های مختلف و در حالی که آثار و مقالاتی را تدوین، چاپ و منتشر کرده بود، به عنوان دانشیار در دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق پرداخت و با انتشار مجله سخن در سال ۱۳۴۲ و تکمیل تحصیلات خود در خارج از کشور که پس از این رسانید و از همان دوران نوجوانی در عرصه ادبیات و شعر، خوش درخشید. خانلری تحصیلات دانشگاهی خود را از سال ۱۳۱۱ آغاز کرد و در سال ۱۳۲۲ پس از دکتر محمد معین، ادبیات، شعر، ترجمه و داستان در

ویژه نامه تاریخ معاصر
با همکاری موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
نظرات، پیشنهادها، خاطرات و عکس‌های تاریخی خود را به
آدرس تهران - بلوار میرداماد - روزنامه جام جم
و یا نشانی‌های اینترنتی زیرا سال کنید:
ayam@jamejamonline.ir
info@iichs.org

گنجینه

صاحبہ با تاریخ

فرهاد رستمی

آقای دکتر با توجه به «ارتش منظم» و «لباس‌های متحدالشکل» که از سال‌های آغازین سلطنت رضاشاه روی آن کار شده بود، چرا وقتی متفقین به ایران حمله‌ور شدند، رضاشاه پس از ۲ روز، فرمان آتش‌بس و عقب‌نشینی داد؟

آقا، زمانه غریبی شده‌ی یک نفر حرفی می‌زند یک کتابی می‌نویسد بقیه از روی او مشق می‌نویسد. کسی نیست که برود تحقیق کند و زایای تاریک تاریخ را روشن کند. یادم می‌آید ما اون موقع‌ها بجهه ده دوازده ساله بودیم تو کوچه راه می‌رفتیم و می‌خواندیم:

روس و انگلیس تو سالن
آلمان می‌گفت زکیسه
شیکس [شکست] با انگلیسه
اصلاً مردم پیش داشتند که رضاشاه شکست بخورد نیست
حالاً همه می‌گویند رضاشاه شکست خورد. آخر مگر امکان دارد با آن ارتش محجز و آن لباس‌های متحدالشکل با همین امیراحمدی خودمان که به سبب جسارت و شهادت و رشدات... به اول قلب «قصاب لرستان» داده بودند از متفقین شکست بخوردیم.
آقا دکتر ما خیلی مشتاق هستیم که از آراء و اندیشه‌های تاریخی حضر تعالی بهره‌مند شویم. لطفاً دلیل «شکست»، ببخشید دلیل «دستور آتش‌بس» و عقب‌نشینی رضاخان را بفرمایید.

آقا رضاخان خودی ضربه خورد. رضاشاه که با ملکه مادر ازدواج کرد... پس از تاج‌الملوک دو هوو سر او آورد. یکی عصمت‌الملوک دولتشاهی که سوگلی رضاشاه شد و دیگری ملکه توラン که نه شاپور غلام‌راید. آن بعد تاج‌الملوک دیگر آن تاج‌الملوک قبلی نبود. تاج‌الملوک چشم دیدن هووهایش علی‌الخصوص صعمت‌الملوک را نداشت. چون چپ و راست می‌زاید خوش زندوزاید. حمیدرضا عبدال‌رضا محدود رضا. احمد رضا و فاطمه را زایدید بود. از پس شیره به شیره زایدید بود بچه‌هایش همه شیرهای شدید به جز حمیدرضا که تزريق می‌کرد.

خوب آقا دکتر لطفاً درباره علل رفتن رضاشاه از ایران بفرمایید.

به تاج‌الملوک هووهایش را برنمی‌تابید. دائم درگیری و نزاع بود. دائم گیس و گیس کشی بود. رضاشاه دیگر خسته شده بود. فکر کرد شاید رضاشاه دیگر به هم حسادت نورزند و غالله شاید با نبود او زنهایش دیگر به هم آخر عمری از شر آهاده امان باشد. آقا دکتر شما چه دلیلی برای این نظریه تاریخی که به نقش زنان در فروپاشی ایران می‌پردازد دارید؟
بله نظریه تاریخی پیشوانه می‌خواهد من وقتی با پرسن قاطع می‌گویم این نظر کاملاً مطبیق بر واقعیت است سند ارائه می‌کنم سندی که همگان به نقش تاریخی زنان بپرند. سند زیر موبایل این نگذاشتن است که رضاخان از دون رفوبانیده طوری که در تعیید هم گفته است آب خوش اگلولیش پایین برود.

«ژوهانسیورگ

اعلیحضرت همایونی رضاشاه پهلوی
چند روز قبل علیحضرت ملکه مادر، اتومبیل مرا توقيف کرده است و این اسباب زحمت من شده. به شکایات من هم ترتیب اثر داده نشده است. به توجهات مخصوصه آن اعلیحضرت متولی می‌شود که امر فرمایند اتومبیل مرا مسترد دارند. کنیز شما، عصمت پهلوی.»

شماره آینده ایام در تاریخ ۸۵/۷/۱۳
(دویین پنجمین مهر ماه) منتشر می‌شود.

بگذارند (منال)

یکی از نمایندگان (گویا اورنگ) از جا برمی‌خیزد و ضمن اعتراض مفصل می‌گوید:

اصلاً به من بگویید این کلمه «منال» یعنی چه؟ و هنوز کسی به این سوال جواب نداده بود که یکی از نمایندگان شوخ طبع از ته مجلس فریاد بر می‌ورد: «منال» یعنی [مهره مالکانه را] بده و ناله مکن!»

منال!

(افرخ) نقل می‌کرد: «پس از استقرار دوران حکومت رضاخان و غصب املاک مردم به نام «املاک اختصاصی» در مجلس به اصطلاح شورای ملی بحث بر سر این بود که اسم بهره مالکانه رضاخان را چه بگذارند و بالاخره پس از جوبحشایر فراوان پیشنهاد شد که



سکینه کریمی

ترک مخاصمه یا مخاصمه «ترک»‌ها

در شهریور ۱۳۲۰ به یکی از فرماندهان مرزی (که اکنون سرتیپ شده است) و مشغول مبارزه با نیروی انگلیس بود، تلگراف رمزی به مضمون زیر رسید (ارتش

(منظور ارتش ترکیه است) مخاصمه را آغاز کرده است! پس از توضیحاتی که برای وی دادند، تازه فهمید که مقصود از (ارتش ترک مخاصمه آغاز کرد) یعنی ارتش متارکه جنگ نمود. نه آن که ارتش ترکیه وارد پیکار شده است.



تبیعد به افریقا: نتیجه وفاداری دیکتاتور به اریاب



انفجار و مرگ. دسته‌های اهلی! متفقین به ملت ایران



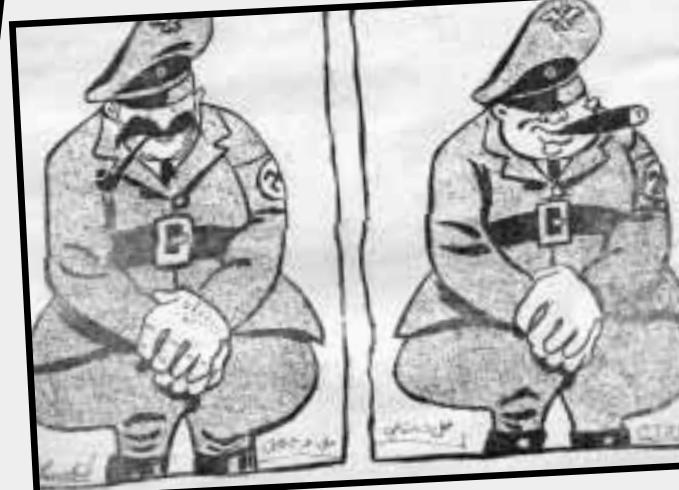
قفو و نیستی، تمثیل اشغال ایران در جریان جنگ جهانی



انگلیس و شوروی و امریکا، خوش ازیل! پیروزی آغاز شد!



از راست: چرچیل و استالین با ماهیت واحد



در کار اعلیحضرت و من...

در تشيیع جنازه رضاخان، ساعد و جمعی از رجال در ایستگاه راه‌آهن منتظر ورود ترن حامل جنازه بودند. عبدالرحمن فرامرزی که جزو مشایعه کنندگان با لباس سیاه آمده بود با دیگری حرف می‌زد. اتفاقاً شخصی که نزد فرامرزی ایستاده بود ناگهان به شوخی از او پرسید: اگر گفتی که در این جمع از همه گچیک تر کیست؟ فرامرزی با در

قیافه شوخ و حق به جانب ساعد را که در صدر ایستاده بود، نشان داد. آن شخص ما تعجب پرسید: دلیل چیست؟ فرامرزی گفت: دلیل از این بالآخر هم بسته است و حال آن که لباس مشکی لباس رسمی است و با کراوات مشکی در موقع عزا پوشیده می‌شود. اسم این کار را فقط می‌توان گچیک گذاشت...

اتفاقاً (ساعد) که چندان از آنها دور نبود این

قیافه مخصوص به خود جلو آمد و آهسته به

فرامرزی گفت: حالاً بینید که این جمعیت چقدر

گچیک است که من «گچیک» نخست وزیر آنها هستم؟!

گور پدر چرچیل!

در جریان جنگ دوم بین المللی، روزی چرچیل برای یک سخنرانی عازم اداره رادیویی «بی‌بی‌سی» بود. بر اثر بمباران هوابی رانده‌اش به موقع نرسید و چون قبلاً سخنرانی اعلام شده بود، سوار یک تاکسی شد تا بتواند به موقع خود را به تاکسی شد تا بتواند در جلوی ایستگاه فرستنده رادیو برساند. در جلوی ایستگاه خواهش کرد بی‌بی‌سی چرچیل از راننده خواهش کرد که اگر ممکن است همان جام‌منتظر بماند و او را به محل اول برگرداند. راننده که چون می‌خواهم به سخنرانی چرچیل تماشی کراوات قرمز در روز رسمی با لباس مشکی و او را به میان گوش راننده بود، گفت: مناسفم! چرچیل را نشناخته بود. گفت: چون نمی‌توانم منتظر شما بمانم... گوش کنم نمی‌توانم علاقه راننده چرچیل از این ابراز علاقه راننده تاکسی نسبت به سخنرانی که در پیش مملکت‌داری اعلیحضرت همایونی و داشت خوش آمد و پوند به او انعام داد! راننده انگلیسی تا چشمش به پول دخلات نکند!! شاه از این حاضر جوابی فرامرزی چنان دچار خندن شد که بی‌اختیار ۱۰ دقیقه خندهد. راننده را به چرچیل کرد و گفت: هی آقا، گور پدر چرچیل همینجا منتظرتان می‌مومم تا برگردید!!